

تسخیر لانه جاسوسی امریکا

علل و زمینه‌ها

سید محمدهاشم پوریزدان پرست^۱

◆ چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی، به رغم خواست ابرقدرت‌ها و از دست رفتن استراتژیک‌ترین کشور وابسته به امریکا و غرب و خطر گسترش مبانی آن به سراسر خاورمیانه و کشورهای اسلامی، دشمنان جهانخوار با بسیج تمام عوامل پیدا و پنهان خود، توطئه‌های گوناگونی را سازماندهی کردند و برای به شکست کشاندن انقلاب اسلامی دست به تهاجمی همه‌جانبه زدند. امام خمینی نیز پس از آماده شدن شرایط نسبی در سه گام بلند، اقدام به تهاجمی جهانی علیه آنان نمود و انقلاب اسلامی را از مرزهای جغرافیایی فراتر برد و ابرقدرت‌های سلطه‌گر را در بیرون مرزها درگیر و انقلاب اسلامی را با بیدارسازی مسلمانان جهانی نمود.

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه شیراز.

۱. برپایی روز قدس در جمعه آخر ماه رمضان و اعتراض به جنایت بی نظیر در حق ملت مسلمان فلسطین و اعتراض به اشغال قبله اول مسلمین.

۲. راهپیمایی و تظاهرات در کنار خانه خدا علیه مستکبران جهانی به ویژه امریکا و اسرائیل و بیدارسازی مسلمانان جهان برای برپایی حج ابراهیمی و رمی شیاطین انس و جن از سرزمین‌های اسلامی.

۳. تسخیر لانه جاسوسی امریکا در ایران که توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام آغاز و با حمایت مردم و تأیید امام ابعادی جهانی یافت و هیبت و هیمنه ابرقدرت‌ها را در جهان فرو ریخت.

واژگان کلیدی: امریکا، دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، انقلاب اسلامی، امام خمینی (س)، لانه جاسوسی، قدس، حج.

◆ مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی و با اقدام سریع و قاطع مردم و دستگیری سران باقیمانده نظام شاهنشاهی و به خصوص سران ارتش شاه، که به دنبال تکرار کودتای ۲۸ مرداد و بازگرداندن شاه و حفظ منافع امریکا در ایران بودند و با ناکام ماندن رهبران امریکایی کودتا^۱ که در روز

۱. ظاهراً ژنرال گاست (رئیس هیئت مستشاری نظامی امریکا در ایران) همراه با تعدادی از بلندپایگان نظامی امریکا و تعدادی از فرماندهان ارتش ایران (قره‌باغی، طوفانیان، ربیعی، بدره‌ای و حبیب‌اللهی) کودتای خونین ۲۲ بهمن را رهبری می‌نموده‌اند و ژنرال هایزر که رهبر اصلی کودتا بوده است، برای فروکش کردن احساسات ضد امریکایی مردم ایران و احتمالاً برای خام کردن رهبران انقلاب، ظاهراً در روز ۱۴ بهمن از ایران خارج شده است، اما به گفته تیمسار فردوست، در جلد اول کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ص ۶۲۶، ژنرال هایزر در روز ۲۲ بهمن در ستاد مشترک ارتش ایران و در کنار ژنرال گاست و گروه امریکایی رهبری کودتا، حضور داشت و مورد تهاجم مردم قرار گرفت و برخلاف ۲۸ مرداد ۳۲ که به علت عدم حضور مردم، کیم روزولت، رهبر کودتای ۲۸ مرداد، توانسته بود کودتا را با پیروزی رهبری کند، در زیرزمین ساختمان ستاد مشترک ارتش ایران، با ترس و لرز و وحشت، زندانی شده و ذلت شکست از مردم مسلمان ایران را چشیده است و این در حالی بود که مقامات امریکایی در سطوح مختلف آن، منتظر خبر موفقیت کودتا بودند و با شنیدن این جریان با وحشت و نومیدی و افسوس و حسرت به شکست و افتضاحی که به بار آمده بود و حماسه‌ای که ملت مسلمان و شهادت‌طلب ایران به‌وجود آورده بود، می‌نگریستند.

۲۲ بهمن در ساختمان ستاد مشترک ارتش ایران همراه با رهبران کودتاچی ارتش ایران، تجمع کردند و از آنجا کودتا را اداره می‌نمودند، محاکمه این سران آغاز شد و در برابر چشمان حسرت‌زده رهبران امریکا و هم‌پیمانان غربی آن که نیروهای تربیت شده و وابسته به خود را در چنگال مردم مسلمان و انقلابی ایران اسیر می‌دیدند، دادگاه‌های انقلابی تشکیل و پس از محاکمه، به اعدام محکوم شدند و حکم آنان با سرعتی باور نکردنی به اجرا درآمد.

تصویر اجساد این جنایتکاران که در حقیقت ستون‌های فرو ریخته و خرد شده نظام شاهنشاهی وابسته به غرب بودند، در روزنامه‌ها به چاپ رسید و آخرین امیدهای ضد انقلاب و حامیان آنان را برای برپایی مجدد این نظام بر باد داد.

محاکمه و اعدام آنان در حالی اتفاق می‌افتاد که افرادی به دنبال نجات آنها از محاکمه و اعدام بودند و بعضی از جریان‌های سیاسی موفق شدند چند تن از افراد دستگیر شده، مانند شاپور بختیار، نخست‌وزیر ملی‌گرای شاه و جاسوس کارکشته سازمان‌های جاسوسی غرب و طوفانیان، مسئول خرید سلاح ارتش ایران از امریکا - که اسرار بسیار زیادی از رشوه‌گیری‌های مقامات امریکایی و جریان‌های پشت پرده خرید سلاح را در اختیار داشت - فرار دهند. بیشترین تلاش برای جلوگیری از اعدام امیرعباس هویدا، نخست‌وزیر سیزده ساله شاه و عضو فرقه استعماری بهائیت - که بیشترین دوران نخست‌وزیری را در تاریخ مشروطه داشت - انجام شد و تلاش‌های زیادی شد تا با تعویق محاکمه او، راهی برای نجاتش پیدا شود.^۱

امریکا و وابستگان داخلی‌اش با وحشت و نومیدی و افسوس و حسرت، به شکست مفتضحانه خود و حماسه ملت مسلمان و شهادت‌طلب ایران می‌نگریستند. انقلاب اسلامی پس از دویست سال کشمکش و شکست‌های متعدد و کسب تجربیات تلخ، پیروز شده بود. ملت ایران بر پایه این تجربیات، بزرگ‌ترین معجزه قرن را با شجاعت بی‌نظیر و دست‌ان

و اندیشه و ایمان والا و روحیه شهادت‌طلبی خود آفریده بود و نظام کهن شاهنشاهی ریشه‌کن و آخرین کنگره‌های کاخ مدائن فرو ریخته بود و انقلاب اسلامی پیروز شده بود، اما حفظ انقلاب به فداکاری و ایثار و آگاهی بیشتری نیاز داشت. مساجد مرکز بسیج مردم شده بود و جوانان با تجمع در آنجا به نگهبانی و حفظ آرامش و امنیت و کنترل رفت و آمدهای شبانه می‌پرداختند.

◆ نفوذ از پنجره‌های باز انقلاب

شیطان‌ها اگر چه از در رانده شده و بیرون رفته بودند، اما چون همیشه سعی داشتند دوباره از پنجره‌ها باز گردند و به درون کعبه‌ای که از بت‌ها پاکسازی شده بود، نفوذ نمایند و چه زود نفوذ خود را از پنجره‌های باز انقلاب آغاز و ضد حمله خود را شروع کردند.

دولت موقت، اولین پنجره نفوذ به درون دژهای انقلاب بود. اگر چه ملت ایران قلب خود را برای آنها به عنوان مسئولانی که از جانب امام انتخاب شده بودند، باز و گسترده کرده بود. جیمی کارتر، رئیس‌جمهور امریکا، طی پیامی به دولت موقت، ضمن به رسمیت شناختن آن، اعلام نموده است که با دولت تازه ایران همکاری خواهد نمود. این جریان با حسن استقبال مهندس مهدی بازرگان، نخست‌وزیر دولت موقت مواجه شده است و این در حالی است که دولت امریکا از توانایی دولت جدید ایران و ترکیب آن ابراز نگرانی نموده است. بازرگان، در حالی که ضد انقلاب حضوری لجام گسیخته برای نابودی انقلاب داشت و با بی‌شرمانه در حال برپایی انواع فتنه‌ها و شرارت‌ها در کشور بود، در میان تعجب همگان اعلام نمود: «انقلاب تمام شده است. مردم زحمات خود را کشیدند و اینک باید به خانه‌های خود بروند، ما خود همه کارها را انجام خواهیم داد!»

اما همه مردمی که خالصانه در انقلاب شرکت نموده بودند با خود می‌گفتند: «چنین قراری نبود! ما آمده بودیم تا انقلاب را تا آخر به نتیجه برسانیم. انقلاب هنوز در اول راه است و بدون

حضور مردم عقیم خواهد ماند و یقیناً به سرمنزل مقصد نخواهد رسید.»

متأسفانه دولت موقت بر خلاف حکم امام، مجموعه‌ای از عناصر یک جناح غیر انقلابی را بر سر کار آورد^۱ و به اعتقادات و ایده‌های مردمی که انقلاب را به انجام رساندند، پشت کرد. عناصری که بر سر کار آمدند عناصر ملی‌گرایی بودند که دور و بر رئیس دولت موقت در سال‌های نهضت ملی شدن صنعت نفت، یا بعد از آن حضور داشتند و اکثر آنها افرادی بودند که به اسلام و انقلاب اسلامی آن‌گونه که امام و مردم مسلمان و انقلابی می‌نگریستند، اعتقاد نداشتند.

رئیس دولت موقت در آخرین روزهای پیروزی انقلاب به پاریس رفت و در آنجا از امام خواست که بگذارد شاه بماند و در چهار چوب قانون اساسی مشروطه، سلطنت کند و نه حکومت! و امام به ایشان جواب داده بودند که شاه الان ضعیف شده و مجبور است این را بپذیرد، اما اگر دوباره قدرت گرفت و با پذیرش چنین چیزی توسط ما، مردم به خانه‌های خود رفتند و انقلاب را پایان‌یافته تلقی کردند، آیا او به کسی رحم خواهد کرد و تضمینی وجود دارد که فقط سلطنت کند؟ و برای قدرت بیشتر دوباره دست به کشتار مردم نزند و کارهای گذشته‌اش را تکرار نکند؟ که او جوابی برای این سؤال نداشت.

تقریباً قریب به اتفاق عناصر دولت موقت اشخاصی همین دیدگاه را داشتند و بیشتر آنها از جبهه ملی و نهضت آزادی‌ای بودند که خود را ایرانی و مصدقی می‌دانستند و با همان دیدگاه‌های مصدق در رابطه با سیاست و دیانت و عدم اعتقاد به دخالت روحانیت و مردم در سیاست قصد حکومت داشتند. مصدق حتی پس از سقوط حکومت خود با یک کودتای امریکایی در دادگاه، همین مطلب را بیان نمود که شاه باید سلطنت کند و نه حکومت و این از

۱. از ۳۰ وزیر انتخاب‌شده در دولت موقت، طی عمر نه ماهه آن، ۲۱ نفر از اعضای نهضت آزادی و ۷ نفر از اعضای جبهه ملی و ۲ نفر از جاما به رهبری دکتر کاظم سامی بوده‌اند. معاونان نخست‌وزیر و استانداران و سایر مسئولان بلندپایه کشور نیز اعضای نهضت آزادی و جبهه ملی و یا از گروه‌هایی بودند که به تشکیل حکومت و نظام متکی به مبانی اسلامی اعتقاد نداشتند.

اصول قانون اساسی مشروطه بود و شاگرد او حتی در روزهای آخر پیروزی انقلاب اسلامی هنوز متوجه نبود دارد چه اتفاقی می‌افتد و مردم ایران چه معجزه بزرگی را می‌آفرینند و او هنوز به دنبال حفظ شاه و حکومت شاهنشاهی مشروطه بود.

متأسفانه دولت موقت عده‌ای از همفکران او را دور خود جمع کرده بود و به رغم گذشت دوازده سال از مرگ جسمی او و ۲۵ سال پس از مرگ سیاسی او، می‌خواست ملتی را اداره کند که با شعار «الله اکبر» و با دست خالی قدرت عظیم نظامی شاه و ژاندارم منطقه خلیج فارس آمریکا را با ذلت بیرون کرده بود و می‌خواست نظام نه شرقی نه غربی را به وجود آورد، یعنی نظامی که هر دو نظام حاکم بر جهان را هم‌زمان نفی می‌نمود، نظامی که خود حرف جدیدی برای جهان و راه جدیدی برای زندگی بشر و سعادت انسان‌ها مطرح می‌نمود و بر قدرت عظیم دینی و معنوی انسان‌های با ایمان تکیه داشت و در منصفه عمل و تلاش و مجاهدت و فداکاری یک ملت به اثبات رسانده بود که می‌توان برای حفظ استقلال و آزادی یک ملت با آمریکا و نظام وابسته‌ای که آمریکا از آن حمایت می‌نماید، در افتاد و در عین حال به نظام کمونیستی نیز تکیه ننمود.

رئیس دولت موقت بیان می‌داشت که اگر شیطان بزرگ امریکاست، شوروی شیطان اکبر است^۱ و با این فلسفه خواهان رابطه با آمریکا بود و بر این باور بود که ما فقط با کمک گرفتن از آمریکا می‌توانیم مشکلات خود را حل نماییم. اگر او بر اساس افکار و عقاید و نوع تربیت که به دلیل نوع زندگی و محل تحصیلاتش^۲ برایش حاصل شده بود چنین فکر می‌کرد، لیکن بعضی دولتمردان اطراف او، از صداقت ساده‌اندیشانه او نیز کمتر بهره‌ای داشتند. نوع اندیشه دینی او

۱. مهدی بازرگان، انقلاب ایران در دو حرکت (تهران: نویسنده، ۱۳۶۳)، ص ۱۷۴.

۲. او در جوانی و در دوران رضاخان جزء اولین گروه دانش‌آموزانی بود که به عنوان بورسیه به فرانسه اعزام شده بود. رضاخان در سخنرانی برای این دانش‌آموزان گفت که من شما را برای درس خواندن به فرنگ اعزام نکرده‌ام. اگر من چنین قصدی داشتم از فرنگ برای شما معلم می‌آوردم. من شما را به فرنگ فرستاده‌ام تا آدم شوید!

نیز اندیشه لیبرالیستی با پوشش اسلامی بود و جهت شناخت اسلام برای علم به خصوص علم تجربی اصالتی در حد وحی قائل بود و آن را وسیله شناخت اسلام می‌دانست. این اندیشه‌ها که در دهه ۲۰ و ۳۰ و اوایل دهه ۴۰ مکتوب شده بود، پس از ماجرای ۱۵ خرداد و کشتار عظیم مردم و گرایش روحی جوانان مبارز و مسلمان به سمت مبارزه مسلحانه برای براندازی رژیم وابسته شاه، جذابیت نسبی خود را نیز از دست داد و حتی جوانان عضو نهضت آزادی از آن روی‌گردان شدند و با توجه به اینکه اساس تفکر آنان اصالت علم بود نه اصالت وحی، با انقلابی شدن علمی! به سمت مارکسیسم - که به عنوان علم مبارزه و انقلاب خود را معرفی می‌نمود - روی آوردند و سازمان مجاهدین خلق ایران را با همان شیوه تفکری نهضت آزادی لکن با تکیه بر «مارکسیسم» به جای «لیبرالیسم» و تکیه بر «علوم اجتماعی» به جای «علوم تجربی» به وجود آوردند.

امام در اواخر عمر از اعتمادی که اوایل انقلاب به لیبرال‌ها نمودند به عنوان اشتباه خود نام برد و بیان داشت که: من همان زمان هم با روی کار آمدن آنان موافق نبودم اما بر اساس مشورت با دوستان و اینکه نظر آنان بر این شخص قرار گرفته بود، موافقت کردم.

هیئت دولت موقت تقریباً همگی از ملی‌گرایان و یاران مصدق بودند. خط مشی سیاسی آنان خط مشی‌ای بود که نه به حضور روحانیت در صحنه سیاست اعتقادی داشت و نه خواهان دخالت مردم در امر حکومت بود^۱ و خواهان شیوه‌های گام به گام و سازشکارانه در مقابله با دشمنان ملت ایران بود و حتی با انقلاب کلاً موافق نبود و به ناچار آن را پذیرفته بود و خواهان قانون اساسی مشروطه و حضور شاه و سلطنت او و نه حکومتش بود.

در حالی که دشمنان انقلاب و تمام وابستگان شرق و غرب با وحشت به پدیده انقلاب اسلامی می‌نگریستند و خود را آماده رویارویی با آن می‌نمودند، متأسفانه اداره امور اجرایی

۱. تنها آنها را برای رأی دادن و آن هم در صورتی که رأیشان، رأی مثبت به اینان بود، می‌خواستند و هر گاه نتیجه آرای مردم خلاف نظر آنان بود، آنان با طرق مختلف با آن مخالفت و آن را باطل می‌دانستند. نمونه بارز آن تصمیم آنان برای باطل کردن مجلس خبرگان بود.

انقلاب به دست چنین افرادی افتاد.

پادگان مهاباد در اوایل اسفند با تهاجم دموکرات‌ها و سایر نیروهای ضد انقلاب وابسته به امریکا سقوط کرد و سلاح‌های موجود در آن به دست آنان غارت شد. دولت بعثی عراق نیز با توجه به وحشتی که از نفوذ انقلاب اسلامی در کشور خود - که اکثریت آن شیعه بودند - داشت بیشترین کمک را به ضد انقلابیون در کردستان و خوزستان می‌نمود تا انقلاب به مسائل داخلی سرگرم شود.

در اوایل فروردین ۵۸ ابراهیم یونسی، یکی از نویسندگان مشهور حزب توده به عنوان استاندار کردستان تعیین شد و به رغم تذکر دلسوزان به آن خطه فرستاده شد. او نیز از این فرصت طلایی حداکثر استفاده را نمود و با استفاده از افراد چپ در امور کردستان همه امکانات آن استان را در اختیار گروهک‌های مارکسیست گذاشت و منطقه حساس کردستان را که مورد طمع ضد انقلاب و ابرقدرت‌های حامی او قرار گرفته بود و با شورش آنان مواجه شده بود به آشوب و درگیری بیشتر کشانید و انقلاب با چالش بزرگی روبه رو شد و خود دولت موقت را با موضوع جدی امنیت آن استان و ائتلاف وقت و امکانات روبه‌رو ساخت. برخورد مسامحه‌کارانه با ضد انقلاب موجب تخریب آنان را فراهم آورد.

اجازه جهت خروج بی‌قید و شرط امریکاییان که موجب شد هر چه را در اختیار داشتند از اسناد گرفته و حتی بعضی مواقع امکانات فوق سری نظامی را از کشور خارج کنند و با اعتراض دلسوزانه جوانان انقلابی به این جریان‌ها و گاهی دخالت برای جلوگیری از آن، فریاد دولت موقت و اعتراض به دخالت افراد غیر مسئول در امور بلند شد.

دوران سختی آغاز شده بود. مردم در انتظار برخورد قاطع با ضد انقلاب و برخورد سریع و قاطعانه با مشکلات بودند، اما بر نظام اداری پوسیده دوران شاهنشاهی، سیاست‌های پوسیده ملی‌گرایی و سیاست گام به گام دولت موقت نیز افزوده شد و مردم را سردرگم بر جای نهاد.

همه از خود سؤال می‌کردند این همه شهید برای چه بود؟ آهسته آهسته رئیس دولت به

تذکرات دلسوزانه امام هم به عنوان دخالت نگریست. ایشان حتی در برنامه‌های تلویزیونی بر امام خرده گرفت و بیان کرد:

احساسات او را برمی‌انگیزانند. آن وقت، آقا وادار می‌شوند، طاقت نیاورند. از بالا سر ما، بدون مراجعه و مشاوره با دولت، بدون اینکه از ما بپرسند، اعلامیه و دستور صادر می‌فرمایند. یکدفعه دست و پای ما را در پوست گردو می‌گذارند. شما هم که ما را کلافه کردید. شما هم که مثل سایر مردم... اقلای امرتان را به ما بفرمایید. تا من بگویم چه باید کرد.^۱

تسامح دولت موقت به جایی رسیده بود که زنان بی‌حجاب و اعضای ساواک منحل نیز جهت دریافت حقوق معوقه خود در برابر نخست‌وزیری دست به تظاهرات و تحصن زدند و کار به جایی رسید که با اعدام حبیب‌القائیان، سرمایه‌دار صهیونیست، دولت آمریکا به دولت ایران اعتراض نمود و دولت موقت و وزیر خارجه آن عکس‌العمل درستی نشان ندادند و تنها صدای اعتراض امام و مردم بلند شد و دخالت آمریکا در امور داخلی ایران و حمایت از جنایتکاران غارتگر را محکوم نمودند. به دنبال این اعتراض و سخنرانی حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی علیه آمریکا، ایشان به دست گروه فرقان ترور شد.

در اوایل سال ۵۸، ضد انقلاب به پادگان سنندج نیز حمله نمود تا آن را اشغال نماید و منطقه را کلاً از دست انقلاب بیرون بیاورد. تیمسار قرنی، ارتشی غیور و رئیس ستاد مشترک، دستور مقاومت و سرکوب ضد انقلابیون را صادر کرد و بدین وسیله از سقوط پادگان سنندج جلوگیری نمود.

دولت موقت در مذاکرات صلح به سه خواسته ضد انقلابیون که خود را نماینده مردم کرد جا زده بودند برآورده کرد:

- عزل رئیس ستاد مشترک ارتش، تیمسار قرنی
- تعیین استاندار کردستان با نظر آنان

۱. کیهان، (۲۴ اسفند ۱۳۵۷): ص ۴.

- خروج ارتش و سپاه از سنندج

دولت موقت طبق این توافقات تیمسار قزنی را به جرم مقاومت در برابر ایادی ابر قدرت‌ها و به درخواست آنها از کار برکنار می‌کند و ضد انقلاب کینه او را به دل می‌گیرد و گروه فرقان به نمایندگی از تمام ضد انقلابیون و تمام کسانی که از صلابت انقلاب و مقاومت فرزندان آن می‌هراسیدند به ترور آن نظامی‌گیور و شرافتمند اقدام می‌نماید و این در حالی است که قبل از آن تمام ضد انقلابیون در یک تهاجم سنگین تبلیغاتی آن شهید گرانقدر را به کشتار خلق کرد متهم نموده بودند.

با آشکار شدن روحیه دولتمردان و تسامح و سازشکاری و ناتوانی آنان برای ضد انقلاب و تجری و جرئت یافتن آنان، تهاجم تبلیغات سنگینی علیه انقلاب آغاز شد.

دانشگاه تهران و خیابان‌های اطراف، آن روزها از جمعیت موج می‌زد. گروهک‌ها سرمایه‌گذاری وسیعی کرده بودند تا ضمن جذب نیرو از این مناظرات خیابانی، مردم را به انقلاب بدبین نمایند و انقلاب را به هر صورت شده است تحت فشار قرار دهند و در هم بشکنند.

دانشجویان مسلمان دانشگاه‌ها جهت اداره امور انقلاب از دانشگاه‌ها بیرون رفته بودند، هزاران کارخانه دچار رکود و تعطیلی بود و گروهک‌های چپ، بهترین فرصت را برای نفوذ در کارخانجات یافته بودند و به بهانه طرفداری از کارگران، کارخانجات را به اعتصاب و تعطیلی می‌کشاندند و کارگران را با شعارهای گوناگون به خیابان‌ها می‌آوردند. هر روز ده‌ها راهپیمایی برپا می‌شد و شعار (نان، مسکن، آزادی) گروهک‌های چپ و «این باید آن شود و آن این باید گردد» چهار چوب شعارهای آنان را تشکیل می‌داد. آنان ضربات عظیمی را از این طریق به اقتصاد کشور وارد آورده بودند. دلسوزان انقلاب سردرگم گردیدند و نمی‌دانستند چه باید بکنند.

با توجه به اینکه متأسفانه اکثر گروهک‌ها کادرهای تشکیلاتی و رهبریشان از افراد روشنفکر و تحصیلکرده غرب و شرق‌زده بودند، سریعا توانستند در دانشگاه‌ها تشکیلات خود را

بازسازی و به جذب دانشجویان که سیاست‌های دولت موقت، آنان را سردرگم و از انقلاب مأیوس نموده بود، بپردازند.

دانشجویان بی‌تفاوت و کم‌اعتقاد و بی‌مطالعه و افرادی که با دین و دینداری و در نتیجه با علما و مردم مسلمان و انقلابی رابطه کمی داشتند، بهترین قشر برای جذب نیروهای چپ و گروهک‌های ضد انقلاب بودند. دانشجویان مسلمان و تندرو و البته کم‌معلومات و بی‌اطلاع نیز بهترین قشر برای جذب گروهک‌هایی بودند که زیر پوشش اسلام، جهت اهداف قدرت‌طلبانه و نیز ضد انقلابی خود فعالیت می‌کردند.

هر یک از گروهک‌ها نیز در دانشگاه دفتر و دستکی داشت و تقریباً در هر دانشکده بیشتر اتاق‌های درس و اتاق‌های موجود در اختیار آنها قرار گرفته بود و در جذب نیرو و بدبین کردن دانشجویان به نظام نوپای اسلامی که حتی قانون اساسی خود را ننوشته بود، شدیداً فعالیت می‌کردند.

گروهک‌های مارکسیستی با توجه به قدرت تشکیلاتی و توان سازماندهی، موفقیت‌های زیادی در این رابطه به دست آورده بودند. با نفوذ در روزنامه‌های پرتیراژ و در دست داشتن تعدادی نشریه حزبی و گروهی و چند مجله طنز مثل چلنگر و آهنگر فعالیت‌های خود در داخل دانشگاه و در میان کارگران در کارخانجات و در مدارس و نیز اقدامات مسلحانه در استان‌های مرزی را حمایت تبلیغاتی می‌نمودند.

روشنفکران چپ و نویسندگان آنان قلم‌ها را علیه انقلاب از غلاف بیرون کشیده بودند و نامردمانه به همه چیز حتی مقدسات می‌تاختند و جنایات خود را در کردستان و سایر مناطق پشتیبانی و توجیه می‌نمودند و نظام نوپا و مردم‌ساخته اسلامی را به عنوان یک نظام ضد مردمی و وابسته به امریکا معرفی می‌نمودند.

سیاست‌های سازشکارانه دولت موقت و حضور بعضی چهره‌های مسئله‌دار در رأس امور مملکت، بهترین زمینه را برای این گروه‌ها فراهم می‌آورد.

در این تهاجم ناجوانمردانه و اتهام‌زنی فریبکارانه، تمام گروه‌های ضد انقلاب اعم از

گروه‌های چپ مارکسیستی و سلطنت‌طلبان و سانسورچی‌های نظام شاهنشاهی و گروه‌های مسلمان‌نما هماهنگ با هم حضور داشتند. جو آن‌چنان گل‌آلود شده بود که بسیاری از افراد سردرگم و بسیاری از جوانان ساده‌لوح جذب این گروه‌ها شدند.

اتاق گروه‌ها در دانشگاه‌ها، به اتاق جنگ تبدیل شده بود و رهبران آنان با سوء استفاده از شرایط پیش آمده به راحتی در دانشگاه‌ها و خوابگاه‌های دانشجویی جهت براندازی نظام برنامه‌ریزی می‌کردند. برنامه‌ریزی‌های عملیاتی و نظامی در کردستان و ترورها و کشتارها و کمین‌زنی در جاده‌های کردستان، در دانشگاه‌ها طراحی می‌شد و در بسیاری از این اتاق‌ها حتی اسلحه گرم وجود داشت و انبار مهمات گروه‌ها شده بود.

با توجه به درهم‌ریختگی ناشی از انقلاب و عدم شکل‌گیری تشکیلات حکومتی و نبود سازمان اطلاعاتی، نوعی مصونیت بی‌حد و مرز برای آنان به وجود آمده بود. به طور مثال، برای جلسه‌ای دانشجویی به یکی از خوابگاه‌ها دعوت شده بودم. جلسه دیگری در یکی از اتاق‌های همان خوابگاه نیز تشکیل شده بود و از اتاقی که ما در آن جلسه داشتیم افراد حاضر در آن کاملاً مشاهده می‌شدند. در میان حاضران در جلسه بسیاری از افراد غیر دانشجوی گروه‌های مارکسیستی و حتی بعضی از کادرهای بالای آنها که ما آنها را می‌شناختیم، حضور داشتند و این قضیه آن‌چنان عادی شده بود که کوچک‌ترین سعی و تلاشی جهت حتی مخفی کردن آن نیز نمی‌نمودند. در آن زمان نه سپاه به درستی راه افتاده بود و نه تشکیلات اطلاعاتی وجود داشت و شهربانی و حتی ارتش نیز دوران بحران پس از انقلاب و از هم پاشیدگی تشکیلاتی خود را می‌گذراندند.

شعار انحلال ارتش و فشار بر نهادهای انقلابی به منظور از هم پاشیدگی آنها نیز جزء برنامه‌های گروه‌ها بود و متأسفانه حمایت از این نهادها نیز جزء سیاست دولت نبود. متأسفانه اعضای دولت موقت، به رغم مبارزه سازشکارانه‌ای که در دوران شاه داشتند خود در همین چهارچوب‌ها به وجود آمده و تفکر و اندیشه آنان انطباقی با خواست این نسل انقلابی نداشت.

◆ سوء استفاده گروهک‌ها از اوضاع

گروهک‌ها سعی نمودند از همین بحران‌ها و با قهرمان‌سازی از خود و تشکیلات خود سوء استفاده نمایند و متأسفانه توفیقات زیادی در این رابطه به دست آوردند.

جوانان مظلوم که چهره نظام را در چهره این دولتمردان فسیل شده و بی‌تحرك - که دشمن از همه طرف داشت به آنان نزدیک می‌شد و یک یک سنگ‌های انقلاب را از دست آنان بیرون می‌آورد - می‌دیدند، به سمت گروهک‌ها جذب و علیه انقلاب موضع گرفتند.

نطق‌های شبانه رئیس دولت و تلویزیون و مقابله او با امام و دستورات ایشان و با نهادهای انقلابی، به جای مقابله با دشمنان کشور و انقلاب، بعضی مواقع مردم را دچار سردرگمی می‌کرد و به سمت ناامیدی و بی‌تفاوتی سوق می‌داد اما چهره امام و سخنان او و امیدی که به آن مرد الهی بسته بودیم، از چنین کاری جلوگیری می‌کرد.

جوانان انقلابی که انتظار داشتند با سرعت و قاطعیت مشکلات حل شود به سردرگمی و

یأس دچار شدند، ضد انقلاب در همه جا

شروع به فعالیت و پیشروی نمود. در

کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان و ...

هزاران جوان انقلابی جهت جلوگیری از

پیشروی ضد انقلاب به شهادت رسیدند

اما دولت موقت می‌خواست با گفتگو و

مهربانی و بدون خونریزی با گروهک‌های

ضد انقلاب و در حقیقت جلوگیری از

ریزش خون ضد انقلاب (و نه انقلابیون)

دولت موقت، اولین پنجره نفوذ به
درون دژهای انقلاب بود. اگر چه
ملت ایران قلب خود را برای آنها به
عنوان مسئولانی که از جانب امام
انتخاب شده بودند، باز و گسترده
کرده بود.

مسائل حل شود. پیش از آنکه ضد انقلاب مورد تهاجم قرار گیرد، سپاه و کمیته و نهادهای

انقلابی از جمله دادگاه‌های انقلاب مورد تهاجم آنان قرار گرفت.

طلایی‌ترین فرصت برای گروه‌های ضد انقلاب به وجود آمده بود. صدای دلسوزان انقلاب از همه جا بلند بود، اما گوش شنوایی در دولت برای شنیدن آن وجود نداشت. جوانان مایوس و سرخورده، بهترین شکار برای ضد انقلاب بودند و آنان با توجه به این فرصت طلایی، با تشکیلات و نیز تعداد کثیری روزنامه و حتی صدا و سیما - که در آن نفوذ داشتند - تلاش کردند انقلاب را مخالف با دموکراسی و آزادی بیان، خشونت‌طلب، ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم معرفی کنند و این در حالی بود که از حدود ۲۲۰ روزنامه و نشریه موجود حتی یک نشریه به طور کامل در خدمت انقلاب و اهداف آن نبود. نفوذی‌های گروهک‌ها در روزنامه‌های کثیرالانتشار نظیر کیهان و اطلاعات و آیندگان نیز به طرق مختلف علیه انقلاب و امام و اسلام زیرکانه توطئه می‌کردند. در حالی که گروهک‌های مارکسیستی، سلطنت‌طلب‌ها، ضد انقلابیون، ارتشی‌های فراری و ساواکی‌ها در کردستان صدای هر مخالفی را خفه کرده بودند، روزنامه‌های وابسته به آنان، نظام را به کشتار خلق کرد و مخالفت با آزادی بیان متهم می‌نمودند.

◆ تشکیل جهاد سازندگی

جهاد سازندگی با شکل ابتدایی خود توسط آیت‌الله بهشتی و با همت دانشجویان مسلمان^۱ به راه افتاد و آنان با سازماندهی دانشجویان به روستاها می‌رفتند و جهت کمک به کشاورزان و روستاییان و بازسازی مناطق محروم تلاش می‌نمودند. با توجه به وجود اتاق‌های کوهنوردی در قبل از انقلاب، دانشجویان معتقد به امام سریعا از همین تشکیلات و تجربیات و وسایل جهت این امر استفاده نمودند.

دانشجویان دختر و پسر روزهای جمعه به روستاهای اطراف تهران اعزام می‌شدند و جهت لوله‌کشی آب بهداشتی و حتی درو گندم مثلا برای پیرزنی که کسی را نداشت، به کار گرفته

۱. بسیاری از همین دانشجویان دلسوز در جریان تسخیر لانه جاسوسی حضور داشتند.

می‌شدند. شهید بهشتی که به دلیل قدرت تحزب فوق‌العاده، ارتباط نزدیکی با دانشجویان و اصولاً تمام قشرها داشت، دانشجویان فعال را به اموری از این قبیل تشویق می‌نمود و دانشجویان نیز با تمام وجود به این امور مبادرت می‌ورزیدند.

◆ مسئله، مسئله امریکا است

بازی‌های سیاسی، ایجاد مسئله، مشکل و درگیری، مظلوم‌نمایی و تخریب چهره‌های انقلاب موجب شد که امام به صراحت در یک سخنرانی اعلام کند که مسئله، مسئله امریکاست و منافقین و چریک‌های فدایی را وابسته به امریکا معرفی نمود و این در حالی بود که کلیه گروه‌های ضد انقلابی و وابسته به امریکا نقاب مبارزه با امریکا بر چهره خود زده بودند. کلام امام در آن شرایط که هنوز ماهیت آنان کاملاً روشن نشده بود موجب اعجاب بود، اما مرور زمان این کلام امام را اثبات نمود.

◆ ترور شهید آیت‌الله مطهری

به درستی، شهید گرانقدر، آیت‌الله مطهری حلقه واسط میان حوزه و دانشگاه بود. این دو قشر بر اساس توطئه‌های عمیق استعماری از هم جدا شده و حتی در برابر هم صف‌آرایی کرده بودند و زبان مشترکی برای درک یکدیگر نداشتند و این یک فرصت طلایی برای سلطه‌گران بین‌المللی بود که بتوانند بر سرنوشت کشور حاکم شوند.

با بیداری اسلامی در اوایل دهه چهل و فداکاری عظیم توده‌های میلیونی جهت آزادی از سلطه امریکا و انگلیس و دفاع فداکارانه از مرجعیت دینی امام خمینی که نیابت امام معصوم(ع) را بر عهده داشت و چیزی جز انگیزه‌های اسلامی برای آن وجود نداشت، زمینه‌های تفاهم دو قشر دانشجویان و روحانی فراهم شد. اگر چه با باز شدن راه جهاد و فداکاری در پانزدهم خرداد، متأسفانه عده‌ای به دنبال استفاده از نیروی عظیم دین جهت اهداف قدرت‌طلبانه خود برآمدند و

اسلام و دیانت را پوششی جهت مبارزه و جذب نیرو برای اهداف خود و فریب جوانان قرار دادند.

شهید استاد مطهری از جمله کسانی بود که با حضور در دانشگاه از اواسط دهه ۱۳۳۰، سعی نمود فاصله مصنوعی ایجاد شده بین دانشگاه و حوزه و بین علم و دین را از میان بردارد و توطئه‌های فریبکارانه به نام علم را حلاجی و رسوا نماید. انقلاب اسلامی هیچ‌گاه نقش بی‌بدیل او در سلامت انقلاب و جلوگیری از انحراف آن‌را فراموش نخواهد نمود. او از یک‌سو، به علوم مختلف اسلامی در سطح بسیار بالا آشنا بود و تلاش فوق‌العاده‌ای از این جهت انجام داد و نزد اساتید بزرگی چون امام، علامه طباطبایی و آیت‌الله بروجردی به خوبی تلمذ کرده بود و حتی از بعضی ایدئولوگ‌های مدعی پیروی از مکاتب غربی مسلط‌تر بر آن مکاتب بود. از سوی دیگر ایشان با خودسازی اسلامی نمونه‌ای بی‌مانند از انسان مسلمان خودساخته بود، انسانی که در ابعاد مختلف معنوی، سیاسی، علمی، عقلی و مبارزاتی در حد اعجاب‌آوری خود را پرورش داده بود.

حضور او در دانشگاه و نفوذ در میان قشر جوان و تحصیلکرده، همواره خاری در چشم دشمنان کینه‌ورز اسلام و انقلاب و مزدوران آنان بود.

او شدیداً با انحرافات مقابله می‌کرد و این در حالی بود که به آزادی اندیشه به شدت معتقد بود و حتی آن را موجب پیشرفت و شکوفایی اسلام می‌دانست. او می‌گفت که ما باید بهترین مارکسیست تحصیلکرده را، با این شرط که واقعا به مارکسیسم معتقد باشد دعوت کنیم و در دانشکده الهیات دانشگاه تهران برای او کرسی تدریس این مکتب را بگذاریم و این را موجب تقویت دین می‌دانست. اما از اینکه کسی در دانشگاه مدعی اسلام‌شناسی و تدریس اسلام باشد و زیر پوشش آن بخواهد مارکسیسم را تدریس نماید، شدیداً نگران بود و می‌گفت این توطئه است و باید جلو آن گرفته شود.

تبلیغ مکاتب غربی و شرقی زیر پوشش اسلام به دلیل اعتقادات قوی ملت ایران و بی‌توجهی آنان به سایر مکاتب بود. این جریان در سال‌های منتهی به پیروزی انقلاب شدیداً گسترش یافته

بود و گروه‌های منحرف از اسلام، زیر پوشش اسلام، مکاتب دیگر را به خورد جوانان می‌دادند و با تفسیرهای من درآوردی از آیات قرآن سعی می‌نمودند جوانان مسلمان را به سمت خود جلب نمایند و آنان را به فداکاری در راه اهداف خود تشویق کنند و دلیل آن هم این بود که ملاحظه کرده بودند که در ایران انگیزه‌های غیر دینی در حرکت‌های سیاسی، مورد توجه مردم معتقد و مسلمان واقع نمی‌شود و لذا به این فریبکاری و نفاق روی آورده بودند. او در یک مقاله^۱ ضمن تشریح و توضیح این جریان انحرافی، اعلام نمود که چنانچه این جریان‌ها با این تذکرات دست از این کار منافقانه خود برداشتند که هیچ‌وگرنه اینجانب مجبورم از این به بعد آنان را «ماتریالیسم منافق» بنامم.

با پیروزی انقلاب، سلطه‌گران جهانی حضور جوانان به خصوص قشر دانشجو و تحصیلکرده را بزرگ‌ترین رمز پیروزی انقلاب و دلیل این حضور را نیز توجیه عقیدتی و سیاسی و فکری آنان یافتند و لذا تصمیم گرفتند کسانی را که این وظیفه را به خوبی انجام می‌دادند، از سر راه بردارند تا راه به سوی انحراف باز و نسل جوان و تحصیلکرده از انقلاب روی‌گردان شوند.

هنوز هفتاد روز از انقلاب نگذشته بود که دست جنایتکار ضد انقلاب وابسته به ابرقدرت‌ها از آستین جوانکی نادان که تربیت‌یافته مکتب نفاق بود، درآمد و این مأموریت جنایتکارانه را از جانب ابرقدرت‌ها و مزدوران داخلی آنها به انجام رسانید.

خبر شهادت آیت‌الله مطهری را از طریق اخبار ساعت هفت صبح رادیو شنیدیم. در آن لحظه حس کردم دشمنان، نسل تحصیلکرده حال و آینده انقلاب را مورد هدف قرار دادند و هر چه زمان گذشت، آن احساس لحظه شنیدن خبر را بیشتر باور می‌کنم و می‌بینم که دشمنان دانا چه جنایتی را به دست جوانکی نادان مرتکب شده‌اند.

قاتل جوانی ۲۴ ساله بود که اگر چه در شب‌های اول دستگیری به کاری که کرده بود، افتخار

۱. مقاله علل گرایش به مادیگری در ایران در کتاب علل گرایش به مادیگری.

هم می‌کرد، اما پس از پی بردن به شخصیت عظیم علمی و فلسفی و معنوی آن شهید بر سر خود می‌زد و بالا و پایین می‌پرید و تقاضا می‌نمود که به او بنزین بدهند تا خود را به آتش بکشد. اما افسوس و صد افسوس که فلک چرخید و چرخید تا بهار آمد و بوته‌های گل جوانه

زد و رشد کرد و گل سرسبیدی متولد و به بار نشست و طفلی نادان به تحریک باتلاق‌نشینان آن را چید.

شهادت تأسف‌بار آن استاد موجب شد امام سه روز در مدرسه فیضیه به عزرا بنشیند و بگوید که: بکشید ما را، با کشتن ما مکتب ما زنده می‌شود و ملت ما بیدارتر و شما نیز سودی نخواهید برد و قاتل را فاجری دانستند که خداوند دین خود را به دست او زنده نمود و این شعر را خواندند که:

آنکه مردن پیش چشمش «تهلکه» است
 نهی «لا تلقوا» بگیرد او به دست^۱
 شهادت او جامعه پس از انقلاب را که
 داشت آهسته آهسته تسلیم شرایط و
 وضعیت اسف‌بار به وجود آمده می‌شد،
 تکان داد.

متأسفانه دولت موقت بر خلاف حکم امام، مجموعه‌ای از عناصر یک جناح غیر انقلابی را بر سر کار آورد و به اعتقادات و ایده‌های مردمی که انقلاب را به انجام رساندند، پشت کرد. عناصری که بر سر کار آمدند رئیس دولت موقت در سال‌های نهضت ملی شدن صنعت نفت، یا بعد از آن حضور داشتند و اکثر آنها افرادی بودند که به اسلام و انقلاب اسلامی آن گونه که امام و مردم مسلمان و انقلابی می‌نگریستند، اعتقاد نداشتند.

۱. مقصود اشاره به این آیه است: «انفقوا و لا تلقوا بایدیکم الی التهلکه» با دستان خود، خویشان را با انفاق نکردن به هلاکت می‌اندازید. که بعضی این آیه را بهانه می‌کنند برای عدم فداکاری در راه خدا و فرار از جهاد در راه خدا و حفظ جان خود!

این جنایت یقیناً فقط توسط گروه فرقان انجام نشده بود، دست پنهان امریکا مانند همه جریان‌های براندازانه آن روزها در آن، به خوبی دیده می‌شد. اما صد افسوس که دولتمردان نیز با احساس حقارت در برابر امریکا مشغول مذاکرات مستقیم و غیر مستقیم و دفاع از آنان و خدمت به آنان بودند. حدس زده می‌شد فقط او مورد هدف نبوده است بلکه تمام کسانی که چنین نقشی را داشته‌اند مورد هدف هستند و همین‌گونه نیز شد.

◆ دانشگاه‌ها و حرکت قهقرایی

وضع دانشگاه‌ها پس از بازگشایی در اسفند ۵۷ به علت عدم حضور دانشجویان مسلمان معتقد به انقلاب - با توجه مشغولیت آنان در اداره امور مختلف مملکت - از جهت سیاسی و حتی اخلاقی تأسف‌آور شد و همین امر موجب تسلط نسبی گروهک‌های ضد انقلاب و رشد سریع و گسترده آنها در دانشگاه‌ها گردید.

تفکرات انحرافی در میان دانشجویان مسلمان به دلیل انحرافات زیادی که قبل از انقلاب در ذهن آنها ایجاد شده بود و با توجه به شرایطی که حاکمیت دولتمردان لیبرال به وجود آورده بود، گسترده‌تر شد و ترور شخصیتی افرادی مثل شهید مطهری که قبل از ترور جسمی آنها، از قبل از انقلاب آغاز شده بود، پس از انقلاب نیز تداوم یافت.

روزی در جلسه انجمن اسلامی موضوع دعوت از او را جهت سخنرانی در دانشگاه خودمان مطرح نمودم، اما با مخالفت عده‌ای از آنها روبه رو شدم و نهایتاً مجبور شدیم از دعوت او خودداری کنیم! و این در حالی بود که سخنرانی‌های ضد انقلابی دائم در همان دانشگاه توسط گروهک‌ها برگزار می‌شد تا با ایجاد شباهت سیاسی دانشجویان را جذب خود نمایند.

◆ تشکیل کلاس‌های عقیدتی در حزب جمهوری اسلامی

در این میان یکی از دوستان خبر از تشکیل کلاس‌هایی در حزب جمهوری اسلامی توسط شهید

آیت‌الله بهشتی داد. این کلاس‌ها جهت دانشجویان و در دو میحث «اقتصاد اسلامی» و «شناخت» بود. در این کلاس‌ها ثبت نام کردم و در خدمت او حضور یافتم. اخلاق کریمانه او هر انسانی را جذب خود می‌نمود. متأسفانه به علت ترور شخصیت او که به خصوص بعد از شهادت آیت‌الله مطهری نقطه امید می‌شده بود، بسیاری از دانشجویان مسلمان و عضو انجمن اسلامی و طرفداران انقلاب از آمدن به این کلاس‌ها امتناع می‌کردند. به همین دلیل تعداد دانشجویان شرکت کننده در کلاس حدود چهل پنجاه نفر بیشتر نبود و تنها حدود یک سوم سالن^۱ پر می‌شد و این در حالی بود که دانشجویان شدیداً از جهت اعتقادی و مکتبی به آموزش نیاز داشتند. ولی صد افسوس که دشمن با تهاجم وسیع علیه او و بدبین کردن مردم و به خصوص جوانان از این امر جلوگیری می‌نمود.

آیت‌الله بهشتی و دو نفر دیگر از رهبران حزب جمهوری اسلامی، یعنی آیت‌الله خامنه‌ای و حجت‌الاسلام رفسنجانی توسط عوامل ضد انقلاب به عنوان رهبران ارتجاع معرفی می‌شدند و شدیداً مورد تهاجم قرار گرفته بودند و این در حالی بود که آنها شبانه‌روز خود را وقف انقلاب و پیشبرد آن نموده بودند. آیت‌الله بهشتی، علاوه بر اداره مجلس خبرگان و تدوین قانون اساسی و راه‌اندازی و اداره جهاد سازندگی و دبیر کلی حزب جمهوری اسلامی و شناسایی نیرو جهت اداره امور انقلاب، کلاس‌های عقیدتی را نیز بر پا می‌کردند و برای روشن نمودن مردم سخنرانی‌های متعددی می‌کردند.

بدبینی نیروهای انقلابی نسبت به او و استفاده نمودن از آن همه علم و تجربه و اخلاص از درس‌آموزترین تجربیات انقلاب برای نسل‌های آینده است.

◆ تشکیل مجلس خبرگان

پس از برگزاری رفراندوم و با توجه به مشکلات به وجود آمده در کشور پیش‌بینی می‌شد که

۱. همان سالنی که منافقین آن را منفجر و موجب شهادت ایشان و یارانشان شدند.

تشکیل مجلس مؤسسان با صدها عضو موجب طولانی شدن مدت نوشتن قانون اساسی می‌گردد و این امر دوران بحران را در کشور طولانی و موجب سوء استفاده دشمنانی می‌شود که شورش‌ها و ترورها را با حمایت امریکا آغاز و گسترش داده بودند. امام به همین دلیل نظرشان این بود که پیش‌نویس قانون اساسی تهیه شده توسط دولت موقت به فراندوم گذاشته شود و با تأیید آن توسط مردم بر اساس آن نهادهای حکومتی شکل گیرد. اما دولت موقت و همفکرانش اصرار می‌کردند که باید مجلس مؤسسان تشکیل گردد. در جلسه‌ای در خدمت امام پس از اینکه ایشان سخنان موافقین و مخالفین را استماع می‌نمود به پیشنهاد آیت‌الله طالقانی قرار می‌شود که مجلس کوچک‌تری با حدود هفتاد نفر از نمایندگان خبره مردم تشکیل و قانون اساسی را تدوین نماید.

انتخابات این مجلس برگزار و نمایندگان مردم که اکثراً از علما می‌باشند وارد مجلس خبرگان می‌گردند و به تدوین قانون اساسی می‌پردازند. تشکیل مجلس خبرگان بدون حضور جدی ضد انقلاب در آن موجب می‌گردد آنان که تمام برنامه‌های خود را نقش بر آب می‌بینند و به این صورت از اقدامات آینده خود نیز ناامید می‌گردند، به دنبال انحلال این مجلس بر آیند. بزرگان انقلاب اگر چه در این مجلس اکثریت را به خود اختصاص داده بودند، اما معدودی از بزرگان ضد انقلاب نیز در آن حضور داشتند و رفتار آنان برای ما جوانانی که به امید پیروزی حق بر باطل و حاکمیت اسلام علوی و محمدی، سربازی انقلاب را از اولین روزهای آغازش برگزیده بودیم درس‌آموز بود. از بزرگان انقلاب درس تواضع و علم و حکمت و از بی‌ادبی بزرگان ضد انقلاب نیز ادب می‌آموختیم.

◆ برپایی نماز جمعه تهران

نماز جمعه تهران به پیشنهاد آیت‌الله طالقانی و با اجازه امام به راه افتاد و تجمعات عظیم روز جمعه و بیانات آن عالم مجاهد و دلسوز، در برابر تهاجم گسترده ضد انقلاب آغاز شد. زبان

مشفقانه و ناصحانه او چون شمشیر مالک اشتر توطئه‌های ضد انقلاب را در هم می‌کوبید و نقش بزرگی در خنثی نمودن آنها داشت. در هر صورت انقلاب داشت از امکانات اعتقادی خود، مانند برپایی نماز جمعه و ماه رمضان و ماه محرم جهت دفاع در برابر تهاجمات همه‌جانبه دشمنان استفاده می‌نمود. امکاناتی که اسلام جهت تجمع و وحدت مسلمانان و برای مبارزه با دشمنان به خصوص منافقین، در اختیار آنان نهاده است.

◆ تهاجم نهایی برای جداسازی کردستان از ایران و صدور فرمان تاریخی

امام

در اواسط ماه رمضان تهاجم ضد انقلاب در کردستان وارد مراحل تازه‌ای شد. شهر پاوه توسط چند هزار نیروی مسلح گروهک‌ها محاصره شد و با سیاست‌های ساده‌لوحانه دولت موقت در برابر ضد انقلاب و پذیرش گروهک‌ها به عنوان طرف مذاکره می‌رفت تا کردستان از ایران جدا و به دامان سلطه‌گران شرق و غرب سقوط نماید. ارتش بلا تکلیف، سپاه مانده از برخوردهای سازشکارانه دولت و مردم محلی معتقد به انقلاب نیز سردرگم و گرفتار ضد انقلاب شده بودند. با ورود شهید چمران به پاوه و مقاومت دلیرانه ایشان و نیروهای باقی مانده، مردم پاوه از چنگال ضد انقلاب ددمنش نجات یافتند و با کمک آنان تهاجم به نیروهای مزدور آغاز شد.

امام طی پیامی انقلابی به ارتش و سپاه دستور داد که برای آزادسازی کردستان به سمت این استان حرکت نمایند. امام در این پیام مسامحه‌کاران را تهدید نمود و دستور داد که بدون تأخیر باید به سمت کردستان حرکت کنند.

برخوردهای سازشکارانه با دشمنان جنایتکار و ضد انسان و مزدوران سلطه‌گری که حتی ارزش جان یک حشره نیز برای جان انسان‌ها قائل نبوده و نیستند و در حالی که فریبکارانه سلاح حقوق بشر را در دست گرفته‌اند و در ویتنام و سایر نقاط جهان میلیون‌ها انسان را قتل

عام نموده‌اند، جز این نتیجه‌ای نمی‌توانست داشته باشد.

◆ تهاجم پی در پی ضد انقلاب در کردستان

مسامحه و سازشکاری و فرصت‌بخشی به ضد انقلاب موجب شد آنان هر روز گامی به پیش نهند و پادگان‌ها در کردستان یکی پس از دیگر سقوط کند و شهرهای کردنشین یکی پس از دیگری به زیر سلطه توطئه‌گران درآید و ضد انقلاب، مخالفان خود را سرکوب و طرفداران بومی انقلاب، مظلومانه یکی پس از دیگری به شهادت برسند و دولت نیز به رغم این جنایات و توطئه‌های پی در پی، با اعزام شخصیت‌های سیاسی و مذهبی، سعی در برقراری صلح و صفا با ضد انقلاب، از راه مذاکره بنماید و به سپاه و ارتش اجازه دخالت در امور ندهد.

در تاریخ ۲۳ تیر، مریوان صحنه توطئه ضد انقلاب گردید و بسیاری از پاسداران محلی مستقر در این شهر، به جرم طرفداری از انقلاب به شهادت رسیدند. در این قضیه شهید چمران به عنوان نماینده دولت برای مذاکره به این شهر می‌رود و موجب بازگشت امنیت به منطقه مریوان می‌گردد.

ضد انقلاب و در رأس آن حزب دموکرات، پس از شش ماه کشمکش و تضعیف دولت مرکزی و تصفیه همه نیروهای مؤمن به انقلاب بومی و سیطره بر اکثر مناطق کردستان، از ۲۱ مرداد ۵۸ یعنی در شب‌های قدر و در آستانه آخرین جمعه ماه مبارک رمضان که امام آن را روز قدس اعلام نموده^۱ و از تمام مسلمانان جهان خواسته بود از این پس در این روز برای حمایت از آرمان فلسطین و مردم فلسطین و آزادی قدس شریف و بسیج امکانات جهان اسلام برای رسیدن به اهداف فوق راه‌پیمایی نمایند و نیز در آستانه تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی که قرار بود روز ۲۸ مرداد افتتاح گردد و یک ماه پس از توطئه مریوان، رهسپار پاوه

می‌گردد. اکثریت مردم این شهر به حکومت مرکزی و انقلاب اعتقاد و ایمان داشتند و برای ضد انقلاب پذیرش چنین مطالبی به خصوص که صدها رزمنده کرد پاوه‌ای مسلحانه از این شهر حفاظت می‌کردند، قابل تحمل نبود و باید این پایگاه مهم انقلابی در هم کوبیده می‌شد تا سراسر کردستان زیر سلطه آنان در می‌آمد. ضد انقلاب به دنبال مسامحه و سازشکاری دولت و وجود نیروهای نفوذی در پادگان‌های محلی، مطمئن بود که می‌تواند ارتش را در صورت اقدام برای سرکوبی به راحتی فلج نماید و این تحصن‌ها و کشمکش‌های درون ارتش که خود را نشان می‌داد و حلقه‌ای از سلسله توطئه‌های دشمن بود، به راحتی درک‌پذیر بود.

مردم پاوه در دفاع از انقلاب و در اعتراض به بسته شدن راه‌های پاوه به کرمانشاه توسط ضد انقلاب و در اعتراض به بی‌تفاوتی نیروهای نظامی، در فرمانداری این شهر متحصن شدند. آنان قطعنامه‌ای را نیز صادر کرده و ضمن اعلام پشتیبانی از انقلاب اسلامی و امام و سپاه پاسداران خواستار تأمین امنیت منطقه توسط ارتش و جلوگیری از حمل سلاح و فروش فشنگ و مواد منفجره و تشکیل دادگاه سیار انقلاب اسلامی و دستگیری ضد انقلابیون و گردنه‌بگیران و محاکمه آنان شده بودند، اما با بی‌تفاوتی مسئولان مواجه گردیدند.

هم‌زمان با تهاجم ضد انقلاب در کردستان، در تهران نیز عوامل مرتبط با دشمنان به بهانه‌های گوناگون شورش به پا می‌کردند.

◆ آغاز ضد حمله امام و انقلاب علیه مستکبرین جهانخوار

اولین ضد حمله، راهپیمایی مسلمانان جهان در آخرین جمعه ماه مبارک رمضان پیام امام خمینی در رابطه با راهپیمایی آخرین جمعه ماه مبارک رمضان - که ایشان آن را «روز قدس» نامیده‌اند - در روز ۲۵ مرداد مصادف با پنجشنبه ۲۳ ماه مبارک رمضان صادر شد. با توجه به اهمیت این پیام و تأثیری که در بیداری مسلمانان و بسیج آنان داشت، فردا شب ضد انقلاب برای پاسخگویی به آن به پاوه حمله نمود.

امام در این پیام فرمود:

- روز قدس، روز حیات اسلام است.

- روز قدس فقط روز فلسطین نیست، روز اسلام است، روز حکومت اسلامی است.

- روز قدس، روز جدایی حق و باطل است.^۱

◆ برپایی اولین راهپیمایی روز قدس

برپایی راهپیمایی روز قدس و شرکت اعجاب‌انگیز و بی‌نظیر مردم در این راهپیمایی و سخنان آیت‌الله طالقانی، نشان داد که ملت ایران و سایر ملل مسلمان برای مسئله فلسطین و سرنوشت ملت آواره آن و اشغال قبله اول مسلمین، اهمیت ویژه‌ای قائل است و در برابر اقدامات جهانخواران ساکت نخواهد نشست.

با آشکار شدن روحیه دولتمردان و تسامح و سازشکاری و ناتوانی آنان برای ضد انقلاب و تجری و جرئت یافتن آنان، تهاجم تبلیغات سنگینی علیه انقلاب آغاز شد.

◆ تهاجم نهایی برای جداسازی کردستان در غروب روز قدس

در غروب روز قدس یعنی شب ۲۷ مرداد، مصادف با شب ۲۴ رمضان، و در حالی که میلیون‌ها انسان باایمان روزه‌دار در سراسر کشور، اولین راهپیمایی روز قدس را در حمایت از قضیه فلسطین و آزادی قدس و حمایت از مردم مظلوم آن دیار بر پا کرده و برای افطار به خانه‌های خود بازگشته بودند، هزاران تن از نیروهای مسلح از احزاب گوناگون چپ و راست با انواع سلاح‌های سبک و سنگین، در حالی که دست به دست هم داده بودند تا چون جنگ احزاب در

۱. صحیفه امام، ج ۹، ص ۲۷۹ - ۲۷۷.

صدر اسلام، کار انقلاب اسلامی را در کردستان برای همیشه یکسره نمایند، به این شهر هجوم آوردند، اما در آخرین شب که می‌رفت همه چیز پایان یابد، فداکاری پاسداران و ژاندارم‌ها در دو پاسگاه باقیمانده در شهر و حضور فداکارانه شهید چمران در میان مدافعین این پاسگاه‌ها و دفاع مردانه آنان و صدور فرمان تاریخی امام در این شب، ورق را برگرداند و آزادسازی کردستان پس از آن آغاز شد و طی دو هفته کل کردستان از دست ضد انقلاب خارج و آنان به عراق گریختند.

امام پس از گذشت هفت ماه از پیروزی انقلاب اسلامی و هنگامی که انقلاب در معرض خطرناک‌ترین توطئه‌ها واقع شده و کردستان به خاطر مسامحه‌کاری دولتمردان در حال جدایی از ایران قرار گرفته بود، فرماندهی کل قوا را به عهده گرفته و به ارتش که با سازشکاری‌ها و خیانت‌ها و مسامحه‌کاری‌های دولتمردان زمین‌گیر شده و با تبلیغات سوء عوامل بیگانه و با تظاهرات و اعتصابات مداوم عناصر مرتبط با دشمن، روحیه خود را از دست داده بود و کسی نمی‌توانست آن را به حرکت درآورد، دستور حرکت و تهاجم داد.

گوشه‌ای از فرمان امام خمینی به دولت، ارتش و ژاندارمری در نخستین ساعات شروع این روز در رابطه با غائله پاوه چنین بود:

من به عنوان ریاست کل قوا به رئیس ستاد ارتش دستور می‌دهم که فوراً با تجهیز کامل عازم منطقه شوند و به تمام پادگان‌های ارتش و ژاندارمری دستور می‌دهم که بی‌انتظار دستور دیگر و بدون فوت وقت با تمام تجهیزات به سوی پاوه حرکت کنند و به دولت دستور می‌دهم وسایل حرکت پاسداران را فوراً فراهم کند.^۱

اطلاعیه امام در حدود سحر از رادیو خوانده شد. پس از هفت ماه مسامحه و سازشکاری و ایجاد روحیه یأس و ناامیدی در کشور، در جوانان انقلابی و در نیروهای انقلابی ارتش، شور و هیجانی در کشور ایجاد شد و سیل نیروهای داوطلب از سراسر کشور به سمت پاوه و

کردستان سرازیر گشت.

این فرمان، سرنوشت انقلاب اسلامی را تغییر داد و خیال خام ضد انقلاب را برای جداسازی کردستان بر باد داد.

◆ شایعه باز پس دادن هواپیماهای اف - ۱۴

همزمان با تهاجم برای جداسازی کردستان، دولتمردان موقت به دنبال حراج سلاح‌های ارتش ایران بر آمدند. آنان اعلام نمودند که ایران به هواپیماهای اف - ۱۴ نیاز ندارد و به دنبال باز پس دادن یا حراج آن هستند. فلسفه این کار را نیز دوری از جنگ و دشمنی اعلام نمودند و هنوز این نکته ساده را در نیافته بودند که مگر حضور ۲۵ ساله آمریکا در ایران و سلطه او بر کشور ما به خاطر دشمنی ما با آمریکا بوده است و آیا غارتگران بین‌المللی اصولاً به دشمنی غارت‌شدگان نیازی دارند؟

◆ ترور مجدد یکی از یاران امام

در اوایل شهریور که تازه ماه رمضان به پایان رسیده بود، مجدداً گروه فرقان یکی از یاران خاص و مبارز امام - که سال‌ها در زندان طاغوت به سر برده بود و سابقه‌ای طولانی از اخلاص و مبارزه و فداکاری در راه انقلاب داشت - یعنی شهید مهدی عراقی را همراه با فرزند گرانقدرش به تلافی شکست در کردستان، ترور نمود و امام را در غم ایشان نشانده. معلوم بود که می‌خواهند امام را با گرفتن یارانش از پیگیری اهداف خود باز دارند.

◆ منافقین و آیت‌الله طالقانی

منافقین سعی می‌کردند در اطراف آیت‌الله طالقانی و ستاد برگزاری نماز جمعه نفوذ کنند و از

ایشان و شرح صدرشان جهت اهداف قدرت‌طلبانه خویش بهره گیرند. آیت‌الله طالقانی هم که می‌خواست زمینه جذب آنان را فراهم سازد، مدت‌ها مورد سوء استفاده تبلیغاتی آنان واقع شد. رهبران فریبکار این سازمان، با سوء استفاده از لطف و مرحمت او که به همه جهت، سعی در هدایت و راهنمایی آنان داشت، خود را پشت سر آن مرد الهی پنهان ساخته بودند و آن‌چنان از آیت‌الله طالقانی طرفداری می‌کردند که گویی وجود ایشان متعلق به آنان است و با چند عکسی که رهبران این سازمان کنار ایشان در یکی از ملاقات‌ها گرفته بودند و چاپ آن در هر شماره نشریه سازمان، استفاده فریبکارانه و شیادانه‌ای جهت جذب نیرو می‌نمودند. متأسفانه این چند عکس تأثیر فراوانی در فریب افکار جوانان خام و بی اطلاع و جذب آنان به این سازمان داشت. سخنرانی‌های آیت‌الله طالقانی نیز توسط این سازمان و با آرم آنان به صورت کتاب منتشر می‌شد.

تمام سعی آنان این بود که آیت‌الله طالقانی را مقابل انقلاب نگه دارند و یا حداقل با سوء استفاده از شرح صدر او، این‌گونه نشان دهند که راه آن روحانی مجاهد از راه امام و به خصوص شهید بهشتی جداست و از ساده‌ترین مسائل نیز جهت القای این مطلب استفاده می‌کردند. مثلاً زمانی که آیت‌الله طالقانی در مجلس خبرگان به علت خستگی و کسالت از روی صندلی بلند شد و بر روی زمین نشست این را نشانه تنهایی ایشان و جدایی از سایرین نشان دادند.

این مسائل از چشم تیزبین جوانان انقلابی دور نمی‌ماند و در ذهن آنان نگرانی و بدبینی به آیت‌الله طالقانی فراهم آورده بود. من هم به دلیل آنکه منافقین دور و بر ایشان می‌چرخیدند و عکس یادگاری می‌گرفتند و در نشریات چاپ می‌کردند، ناراحت بودم، اما عظمت روح و سوابق درخشان مبارزاتی و کلام روح‌بخش آیت‌الله طالقانی در نمازهای جمعه برتر از آن بود که این موضوع موجب جدایی از ایشان باشد.

سرانجام با گذر زمان و آشکار شدن ماهیت آنان، آیت‌الله طالقانی نیز در روزهای آخر حیات، در خطبه‌های نماز عید فطر در برابر آنان و سایر گروهک‌های ضد انقلاب از جمله

دموکرات‌ها و فدائیان خلق، صف‌بندی کرد و به شدت به آنان حمله نمود و اظهار نمود که من داشتم خود را به خاطر شما نزد رهبری مسئله‌دار می‌کردم. این در حالی بود که امام ماهیت آنان را در اوایل سال افشا کرده و آنان را در خدمت منافع امریکا معرفی نموده بود.

◆ منافقین و جذب نیرو

عده‌ای از دانشجویان مسلمان و فعال قبل از انقلاب با همین شارلاتان‌بازی‌ها جذب سازمان منافقین شدند و در برابر انقلاب اسلامی ایستادند. با توجه به شدت علاقه مردم و حتی طرفداران گروهک‌ها به امام، این سازمان حتی تا زمانی که وارد فاز مسلحانه شد تلاش می‌کرد آشکارا با امام مخالفتی نشود، اما به طرق مختلفی بر آن بود تا ایشان را در ذهن طرفداران ساده‌لوح و فریب‌خورده خود بشکنند. نخست این جریان از طنز و شوخی‌های جاهلانه، مخالفت‌ها و حمله به امام آغاز گردید و در سال‌های بعد مشاهده شد که به چه مخالفت‌های خونینی کشیده شد.

شهریور که قبلاً ذکر آن رفت، ارادتم به آیت‌الله طالقانی بیشتر و بیشتر شد اما به ناگهان در روز ۱۹ شهریور و پس از سخنرانی پیرامون شهدای ۱۷ شهریور و جلسات شبانه در کاخ سعدآباد اعلام شد که ایشان وفات یافته‌اند. تهران یکپارچه به پا خاست و در تشییع جنازه موج عظیم جمعیت تا بهشت زهرا به راه افتاد.

منافقین که دو هفته قبل شدیداً تحت حمله آیت‌الله طالقانی واقع شده بودند، خود را در عزای ایشان جلو انداختند و پدر پدر کنان خود را عزادار نشان دادند و این واقعه را نیز فاجعه‌ای اعلام کردند که موجب انحراف انقلاب خواهد شد. این در حالی بود که با توجه به حضور رهبران این سازمان در افطاری منزل آیت‌الله طالقانی و وفات ایشان بعد از افطاری، شایعه دخالت آنان را در فوت مرحوم طالقانی بر سر زبان‌ها انداخته بود.

شور و هیجان مردم در تشییع جنازه و شعارهایی که می‌دادند که «ای سید و سرور ما جای

تو خالی، ای نایب پیغمبر، جای تو خالی» شگفت‌آور بود و امام به منافقین خرده گرفتند که مردمی که با آن عشق و شور، کلنگی را که جهت کندن قبر ایشان به کار رفته بود بوسه می‌زدند، اینها بر اساس افکار شما بود که چنین می‌کردند؟ یا به خاطر عشق به این بود که او یک عالم دین بود و جانشین پیامبر. امام در پیامی ایشان را ابوزر زمان و بیان ایشان را چون شمشیر مالک اشتر برنده توصیف نمودند.

◆ امام تنها شد!

با وفات آیت‌الله طالقانی جریان‌های منحرف سلاح‌های خود را به سمت امام و یاران او نشانه گرفتند و عزای تنهایی امام را گرفتند و در حقیقت با این شعار یاران فداکار امام را هدف قرار دادند و آنان را متهم نمودند که در خط امام نیستند و چون امام با قاطعیت در برابر آنان ایستاده بود و آنان که تا آن زمان حتی جرئت نکرده بودند آشکارا برای اعضای گروه‌های خود از افکار و نیت درونی‌شان مطلبی بیان کنند، به طور ضمنی امام را زیر سؤال می‌بردند. در این هنگام زحمات طاقت‌فرسای نوشتن قانون اساسی و اداره نهادهای انقلابی مملکت بر دوش یاران امام بود. هدف، تنها کردن امام با ترور شخصیتی و نیز ترور جسمی یاران مخلص بود، یارانی که علم را با حلم و آگاهی را با تقوی و دشمن‌شناسی و راست‌قامتی آمیخته بودند.

به دنبال توطئه تنها اعلام نمودن امام، سناریوی اصلی نیز مطرح و از زبان تمام شرکت‌کنندگان آگاه و ناآگاه در توطئه، گوش فلک را کر کرد. و آن سناریو «انحصاری شدن امام» و «کانالیزه شدن ایشان» بود و تمام نیروهای ضد انقلاب نوک تیز حمله خود را به سوی یاران امام گرفتند و آنان را تحت سخت‌ترین حملات قرار دادند. امید تمام طرفداران انقلاب از دولت قطع شده بود آنان چون کفش تنگی بودند که به اجبار تا نوشته شدن قانون اساسی و تشکیل نهادهای رسمی باید تحمل می‌شدند و حرکت انقلاب را دچار وقفه و بی‌حرکی نموده

بودند و امام هم چاره‌ای جز ننگه داشتن و حتی تأیید آنان نداشت و ضد انقلاب هم همان گونه که قبلاً بیان شد در تمام سطوح سعی می‌کرد این دوران به هم ریختگی و بی‌قانونی طولانی‌تر شود تا بتوانند نظام و انقلاب اسلامی را به شکست بکشانند.

دشمن هر روز سنگرهای بیشتری را فتح و به قلب انقلاب که امام بود نزدیک و نزدیک‌تر می‌شد. چشمان خفته دولتمردان سازشکار و غیر انقلابی حاکم، تنها اعتراضات مردم را می‌دیدند و هر ندای مخالف خود را دخالت در امور تلقی می‌کردند و در اعتراض به آن، به امام فشار می‌آوردند دائم استعفای خود را تقدیم امام می‌کردند و امام نیز به رغم میل باطنی خود، مجبور بود آنان را از این کار منع نماید و تا نوشتن قانون اساسی و برگزاری انتخابات ریاست‌جمهوری، حتی آنان را تأیید کند.

با بیداری اسلامی در اوایل دهه چهل و فداکاری عظیم توده‌های میلیونی جهت آزادی از سلطه امریکا و انگلیس و دفاع فداکارانه از مرجعیت دینی امام خمینی که نیابت امام معصوم(ع) را بر عهده داشت و چیزی جز انگیزه‌های اسلامی برای آن وجود نداشت، زمینه‌های تفاهم دو قشر دانشجو و روحانی فراهم شد.

با تصویب اصل ولایت فقیه در ۲۲ شهریور، امید ضد انقلاب بر باد رفت و آنان به خوبی درک کردند که دیگر امیدی به آینده وجود نخواهد داشت، در نتیجه، تهاجم بزرگ تبلیغاتی را علیه مجلس خبرگان و اصل ولایت فقیه آغاز کردند.

با تصویب این اصل و با توجه به اینکه زمان تعیین شده برای مجلس خبرگان تمام شده بود، بعضی از دولتمردان، به خصوص سخنگوی سابق دولت، عباس امیرانتظام، با هماهنگی جاسوسان امریکایی، در هیئت دولت موضوع انحلال مجلس خبرگان را به بهانه تمام شدن مهلت قانونی آن، مطرح می‌کنند و هیئت دولت آن را تصویب می‌نماید و قرار می‌شود رئیس

دولت این موضع را به وسیله رسانه‌های جمعی به آگاهی مردم برساند، اما با اعتراض اعضای شورای انقلاب که عضو هیئت دولت شده بودند، قرار می‌شود طرح انحلال به خدمت امام برده شود و نظر ایشان استفسار گردد و اگر امام با آن مخالفت نمود، دسته‌جمعی استعفای خود را به ایشان تقدیم کنند. امام به شدت ناراحت شد و به ایشان پرخاش کرد که شما چکاره‌اید که می‌خواهید مجلس را منحل کنید، بروید و استعفا بدهید. این توطئه نیز با برخورد قاطع امام نقش بر آب می‌شود.

◆ مهر ماه، ماه توطئه‌های بزرگ امریکا و ایادی داخلی آن

چشمداشت ضد انقلاب به مدارس و دانشگاه‌ها برای شکست انقلاب و تلاش ضد انقلاب برای به شکست کشاندن انقلاب از همان راهی که انقلاب پیروز شد.

با باز شدن مدارس و دانشگاه‌ها در ماه مهر، ضد انقلاب آماده تهاجم نهایی و شورش در مراکز آموزشی بود و می‌خواست به همان طریق که انقلاب پیروز شده بود و از طریق مدارس و دانشگاه‌ها و بسیج جوانان علیه انقلاب و در کارخانجات با بسیج کارگران و فلج کردن تولید کشور و در ادارات با بسیج کارمندان و فلج کردن سیستم اداری کشور و در ارتش با برپایی یک کودتا و ایجاد درگیری و کشت و کشتار، توسط ایادی نفوذی خود، انقلاب را به شکست بکشاند.

امریکا آخرین گام‌ها را برای بازگشت بر می‌داشت و این در حالی بود که کردستان نیز در آتش جنگ می‌سوخت و دولت در حال مذاکره با ضد انقلاب جنایتکار بود.

با کشتار پنجاه و چند نفر از پاسداران در کردستان، مردم با شرکت میلیونی در تشییع جنازه آنان عکس‌المعمل نشان دادند. در تبریز نیز حزب خلق مسلمان که ظاهراً از شریعتمداری تبعیت می‌کرد، تهاجم جدیدی را در جبهه جدید آغاز کرده بود.

اوضاع دانشگاه از جهت سیاسی خراب‌تر از آن بود که بتوان از آن سخن گفت. فعالیت

گروهک‌ها شدیداً گسترش یافته بود. بعضی از یاران دیروز هم امروز در برابر انقلاب ایستاده بودند. گروهک‌ها آنها را جذب نموده بودند. صحبت‌های دوستانه با آنان کمتر اثرگذار بود.

متأسفانه دیگر گروهک‌ها با زمینه‌چینی مقابل امام صف‌بندی کرده بودند و اما امام قبلاً ماهیت آنان را برای ما روشن نموده بود: «آنها خود امریکایی‌اند».

گروهک‌های چپ نیز بیشترین شعارهای تبلیغاتی‌شان مبارزه با امپریالیسم و طرفداری از کارگران و کشاورزان بود و نظام جمهوری اسلامی را نیز به عنوان نظامی وابسته به امپریالیسم و طرفدار سرمایه‌داران و مخالف آزادی و دموکراسی معرفی می‌نمودند و خواستار انحلال ارتش بودند، ارتشی که اینک بدنه مسلمان آن به انقلاب پیوسته بود و رهبران جنایتکار آن نیز تصفیه شده بودند. این وابستگان به ابرقدرت‌ها، ارتش و ارتشیان مؤمن و فداکار را – که برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور به فداکاری‌های بزرگی دست زده و شهدای گرانقدری را در این راه تقدیم انقلاب و کشور کرده بود - ضد خلقی توصیف و آن را به کشتار خلق کرد متهم می‌کردند.

جذابیت شعار مبارزه با امپریالیسم آمریکا در آن مقطع، نشان‌دهنده نفرتی بود که ملت ایران طی ۲۵ سال سلطه آمریکا از این نظام سلطه‌گر ضد انسان در دل خود داشت. آمریکا نیز در زیر شعار مرگ بر خودش و با این فریب بزرگ، توسط ایادی پنهان و آشکارش می‌رفت که سنگرهای انقلاب را فتح کند.

◆ مدارس و دانشگاه‌ها؛ جولانگاه ضد انقلاب

امام به دلیل اهمیت مسئله مدارس و دانشگاه‌ها، ضمن پیامی در این رابطه و اشاره به اینکه دشمنان اسلام و غارتگران کشور با توطئه‌ها و نیرنگ‌ها می‌خواهند در این سنگر عظیم که امید ملت و مرکز سرنوشت کشور است، رخنه کنند و شما را از راه حق و راه محرومین و مستضعفین منحرف و با اخلاص‌گری در مراکز علم شما را از هدف‌تان باز دارند، شخصا از یکی

از مدارس قم (دبستان فیض) بازدید کرد و بیان داشت: «اگر کودکان کشور، اسلامی بار بیابند، استقلال و آزادی مملکت بیمه خواهد شد.»^۱

رئیس دولت موقت نیز ضمن پیامی از دانشجویان و دانش‌آموزان درخواست کرد که نگذارید دشمنان ایران و انقلاب و اسلام با فریب دادن بی‌خبران و به کارگرفتن مزدوران، کانون تحصیل و تربیت را به تعطیل و فتنه بکشانند و وسیله آشوب کشور کنند.

این حساسیت‌ها بی‌دلیل نبود. دشمن در نظر داشت آشکارا برنامه تهاجم نهایی خود را با چیدن مقدماتی آغاز کند و با شروع مهر ماه، توطئه‌ها ابعاد تازه‌ای به خود گرفت و به اجرا درآمد و حمله گسترده‌ای به اصل ولایت فقیه آغاز شد، بعضی افراد منحرف مثل مقدم مراغه‌ای از درون مجلس خبرگان و سایر ضد انقلابیون از بیرون تمام هم خود را متوجه این موضوع کردند.

سوم مهر

– ناامیدی سکولارها از انقلاب و صدور نامه سرگشاده بی‌ادبانه!

با تصویب اصل ولایت فقیه در مجلس خبرگان و ناامید شدن سکولارهای ایرانی – که در یک سال گذشته با انقلاب ظاهراً همراه شده بودند تا دوباره چون نهضت مشروطه و نهضت ملی شدن صنعت نفت، در موقعیتی مناسب بر اسب سرکش انقلاب و نهضت سوار شوند و افسار آنان را در دست گیرند و در جهت منافع خود و اربابانشان به کار برند – با وجود اینکه سه ماه از تصمیم امام بر تغییر «مجلس مؤسسان» به «مجلس خبرگان» گذشته بود، آنان در این مقطع به خود آمدند و مجدداً با آن به مخالفت برخاستند. دلیل آن هم این است که آنان نتوانسته بودند با تشکیل «مجلس مؤسسان صنفی» و در اقلیت قرار دادن علما، قوانین عرفی^۲ فرانسه و

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۸۸.

۲. سکولاریستی

بلژیک را به ملت ایران تحمیل نمایند و لذا پس از تصویب اصل ولایت فقیه، توطئه خود را برای انحلال مجلس خبرگان با کمک جاسوسان امریکایی آغاز کردند.

جبهه ملی نیز در نامه‌ای امام را مورد تاخت و تاز بی‌ادبانه خود قرار داد و نوشت:

متأسفانه دولت، انتخابات مجلس و بررسی نهایی قانون اساسی را به دلخواه عناصر و محافل قشری و انحصارطلب مذهبی انجام داد.^۱ ... تشکیل موبدان در ایران قبل از اسلام که قسمتی از حکومت را تشکیل می‌دادند و همچنین حکومت کلیسا در قرون وسطی در قسمت‌های بزرگی از اروپا که مستقیماً امر حکومت را در دست داشت، نمونه‌های بارزی از حکومت‌های قشرهای ممتاز و مذهبی به شمار می‌رود.^۲

این تهاجم بی‌ادبانه نشان‌دهنده منتهای ناامیدی و یأس آنان برای انحراف مجدد انقلاب و کسب مجدد قدرت در آینده، پس از تصویب اصل ولایت فقیه و داشتن حق اداره کشور ایران توسط فقیه عادل است.^۳

پنجم مهر

حمله دموکرات‌ها به خودروهای نظامی در گردنه قشلاق.^۴

- امام در برابر تبلیغات گسترده ضد انقلاب و متهم نمودن روحانیت به انحصارطلبی و تشکیل یک قشر ممتاز که پس از تصویب اصل ولایت فقیه اوج گرفته است، قلم به دستان را مورد

۱. به عبارت دیگر، یعنی امام و مراجع عظام تقلید و آیت‌الله طالقانی که مجلس خبرگان را پذیرفتند و خواهان وجود اصل ولایت فقیه در قانون اساسی بودند.

۲. مقایسه ولایت فقیه با «حکومت موبدان در ایران باستان» و «حکومت کلیسا در قرون وسطی»، اگر نشان‌دهنده بی‌اطلاعی نباشد، نشان‌دهنده بی‌انصافی و عوام‌فریبی این افراد است.

۳. در قرآن نیز پس از تعیین امام علی(ع) به ولایت، خداوند می‌فرماید: «الیوم یؤس الذین کفروا من دینکم فلا تخشوه و اخشون...» امروز کافران از دین شما مأیوس شدند. پس از آنان بیم نداشته باشید و تنها از من بیم به دل داشته باشید.

۴. کیهان، (۴ مهر ۵۸): ص ۵.

خطاب قرار داد و فرمود:

این نهضت را با قدرت روحانیت و اسلام - که ملت ما اسلامی بودند و علاقه به اسلام و کارکنان اسلام داشتند - به اینجا رساندند.
ملت ما این ملتی است که به مجلس خبرگان وقتی که می‌رسد، روحانی تعیین می‌کند یا آنی که نظیر روحانی فکر می‌کند... شما می‌خواهید که مردم بیایند شما را تعیین کنند که اعتقاد به اسلام ندارید!^۱

هفتم مهر

- کابینه دولت موقت ترمیم شد و هشت وزیر جدید وارد هیئت دولت شدند.^۲
- خط آهن اندیمشک - اهواز با کار گذاشتن مواد منفجره توسط عده‌ای ناشناس منفجر شد.

حزب خلق عرب در خوزستان تحت تأثیر القائات صدام که به تازگی جانشین پدر زن خود حسن البکر و رئیس جمهور عراق شده بود و استکبار جهانی با بر سر کار آوردن او جبهه جدیدی را در خارج از مرزها علیه انقلاب گشوده بود و او نیز برای رسیدن به هدف‌ها و

تبلیغ مکاتب غربی و شرقی زیر پوشش اسلام به دلیل اعتقادات قوی ملت ایران و بی‌توجهی آنان به سایر مکاتب بود.

مأموریت‌های خود که جلوگیری از گسترش انقلاب در کشور عراق و به شکست کشاندن انقلاب اسلامی در ایران بود، ضمن کمک‌های گوناگون به ضد انقلاب در کردستان و ارسال سلاح و تدارکات برای آنها، هر روز به وسیله ایادی خود که به خلق عربی مشهور بودند، در

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۴۲.

۲. کیهان، (۷ مهر ۵۸): ص ۷.

گوشه‌ای از سرزمین خوزستان بمب‌گذاری و لوله‌های نفت را منفجر می‌کرد و عده‌ای را به شهادت می‌رساند.

◆ حج؛ دومین ضد حمله علیه ابر قدرت‌های جهانخوار

هنر امام استفاده از پتانسیل‌های نهفته در فرهنگ و اعتقادات اسلامی و پتانسیل‌های نهفته در میان ملت مسلمان ایران و سایر ملل مسلمان بود. استفاده از محرم، عاشورا، ماه مبارک رمضان، نماز جمعه و اینک حج از این موارد است.

با آغاز ماه مهر کاروان‌های حج نیز آماده حرکت شده بودند. اولین حج بعد از انقلاب قرار بود بر پا شود. حج، این ارث بزرگ پیامبران و ارث عظیم حضرت ابراهیم خلیل‌الله، آن موحد و بت‌شکن بزرگ تاریخ، از مسیر خود منحرف و خانه خدا در معنا تخریب و بتخانه جدیدی دوباره چون عصر جاهلیت به جای آن ساخته شد و حاکمان بی‌ایمان و به ظاهر مسلمان، این ولیده‌های شیاطین و این وابستگان به بیگانگان، از آن وسیله‌ای جهت به سکوت کشاندن مسلمانان و به بندگی طواغیت کشاندن آنان و تأمین منافع استعمار گران و سلطه گران بین‌المللی به وجود آوردند.

پس از قرن‌ها سکون و سکوت و طواف بر گرد بتخانه انحراف و تحجر و اختلاف و وابستگی و پس از قرن‌ها حاکمیت طواغیت بر خانه خدا، امام در این سال با صدور اطلاعیه و بیان سخنانی تاریخی، مسلمانان گرفتار طواغیت و سلطه‌گران بین‌المللی را به انجام مناسکی ابراهیمی و حجتی محمدی دعوت نمود و آنان را به وحدت و بیداری و برادری و قیام برای خدا و شهود منافع خود و هدایت الهی فرا خواند و بدین‌وسیله انقلاب اسلامی دومین گام را - پس از گام اول که برپایی راهپیمایی مسلمانان در روز قدس در آخرین جمعه ماه رمضان بود - علیه دشمنان سلطه‌گر جهانی به ویژه امریکا برداشت و با دعوت مسلمانان به برپایی حج ابراهیمی، دشمنان آنان را از حیات و بیداری دوباره مسلمانان با خبر ساخت.

– پیام امام خمینی به زائران بیت‌الله الحرام

در هر کشوری که هستید از حیثیت اسلامی و ملی خود دفاع کنید و بی پروا در مقابل دشمنان خود، یعنی امریکا و صهیونیسم بین‌المللی و ابرقدرت‌های شرق و غرب، بدون هیچ ملاحظه‌ای، از ملت‌ها و کشورهای اسلامی دفاع کنید و مظالم دشمنان اسلام را بر ملا کنید.

بر هر مسلمانی لازم است که خود را علیه اسرائیل مجهز کند.^۱

هشتم مهر

– دکل مخابراتی خوزستان با خمپاره منفجر و ارتباط تلفنی آبادان و خرمشهر با تمام کشور قطع شد.^۲

نهم مهر

– دخالت آشکار امریکا در امور ایران در حالی که در سال‌های گذشته، ده‌ها هزار ایرانی در زندان‌ها و زیر شکنجه و یا در قتل عام‌های دسته‌جمعی در

با تصویب اصل ولایت فقیه در ۲۲ شهریور، امید ضد انقلاب بر باد رفت و آنان به خوبی درک کردند که دیگر امیدی به آینده وجود نخواهد داشت، در نتیجه، تهاجم بزرگ تبلیغاتی را علیه مجلس خبرگان و اصل ولایت فقیه آغاز کردند.

خیابان‌ها و میدان‌ها به وسیله ایادی امریکا و شاه در ایران به شهادت می‌رسیدند، نه تنها صدای امریکا و سازمان‌های مدعی حقوق بشر بر نخاست، بلکه جز حمایت و تأیید چیزی از دولتمردان امریکا مشاهده نشد، به صورتی که رئیس‌جمهور جنایتکار امریکا، در شامگاه ۱۷ شهریور، جمعه سیاه، در یک تماس تلفنی از کمپ دیوید همراه با سادات و بگین از جنایت و قتل

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۱۵۹ و ۱۶۰.

۲. کیهان، (۹ مهر ۵۸): ص ۱.

عام مردم ایران توسط شاه اعلام پشتیبانی کرد اما اینک با محاکمه و اعدام سه جنایتکار، حقوق بشر در خطر قرار گرفت و امریکا با اعدام نوکران خود به یاد حقوق بشر افتاد و در این رابطه به دولت ایران اعتراض نمود. دولتمردان موقت نیز به جای برخورد قاطع با دولت امریکا با برخوردهایی از موضع ضعف و ترس، موجب تجری آنان را فراهم آوردند. بروس لینگن، کاردار سفارت امریکا، با وزیر کشور ملاقات و به خاطر اعدام سه سناتور^۱ به ایران اعتراض کرد.

یازدهم مهر

- یک بمب قوی در قطار خرمشهر - تهران منفجر شد. بمب‌گذاران درهای واگن را بسته بودند تا مسافران نتوانند خود را نجات دهند.
- ساعتی بعد از انفجار فوق، پل جاده اهواز خرمشهر با دینامیت منفجر شد.

دوازدهم مهر

- هشت طراح انفجار بمب در قطار خرمشهر - تهران دستگیر، محاکمه و اعدام شدند.
- ده پاسدار و نظامی در درگیری غرب کشور شهید شدند.
- سران حزب دموکرات در خانقین عراق به سر می‌برند.
- دکتر چمران وزیر دفاع: ایران از سوی یک کشور همسایه تهدید نظامی می‌شود.
- در دو شب متوالی به مخازن نفت اهواز با خمپاره حمله شد.
- در ۴۸ ساعت گذشته، ده تن از پرسنل نظامی و پاسداران در حمله حزب دموکرات به شهادت رسیدند و هشت نفر نیز مجروح شدند.
- بازار فرش‌فروشان آبادان با انفجار بمب به لرزه در آمد.

۱. جمهوری اسلامی، (۹ مهر ۵۸): ص ۱.

چهاردهم مهر

- انفجار بازار سیف خرمشهر یک کشته و ۳۶ مجروح بر جای گذاشت.
- بازرگان: مثلث شوم بازماندگان استبداد و استیلای خارجی و برخی کشورهای همسایه علیه انقلاب ایران توطئه می‌کنند.
- حمله مسلحانه به منزل دادستان مهاباد.

پانزدهم مهر

- انفجار لوله نفت و گاز در نزدیکی اهواز
- مهاجمان ضد انقلاب به یک پاسگاه ژاندارمری و یک پادگان در منطقه نوسود حمله کردند.
- آیت‌الله شبیر خاقانی با صدور اطلاعیه‌ای ضمن محکوم کردن انفجار بمب در قطار خرمشهر - اهواز اظهار داشت که عمال امپریالیسم و صهیونیسم دست به اعمالی می‌زنند که حیوانات وحشی نمی‌کنند.
- با آغاز سال تحصیلی، دانشجویان مسلمان در دانشگاه تهران نماز وحدت برگزار نمودند.
- دموکرات‌ها در گردنه هورابی در جاده پیرانشهر - نقده یکصد مسافر اتومبیل‌های شخصی و مینی‌بوس را گروگان گرفتند.
- مهندس بازرگان نارضایتی خود را از تغییر در پیش‌نویس قانون اساسی اعلام کرد.

شانزدهم مهر

- دموکرات‌ها به پادگان سردشت حمله کردند.
- دموکرات‌ها به پاسداران در بوکان و بانه حمله کردند.
- سیصد مرد مسلح به چهار پاسگاه مرزی حمله کردند.

- امام به سربازان توصیه نمود که دو ماه خدمت اضافی اعلام شده را ادامه دهند و از اعلام آن ناراحت نگردند.

- امام خدمت سربازی را عبادت توصیف نمود.

هفدهم مهر

- پنجاه و دو پاسدار در جاده بانه - سردشت به وسیله دموکرات‌ها به شهادت رسیدند. از گروه ۷۲ نفری پاسداران فقط ۷ نفر جان سالم به در بردند و بقیه شهید و اسیر شدند. اجساد شهدا به آتش کشیده شده است.

- استاندار کرمانشاه گفت چند کشور خارجی با پول و اسلحه، دموکرات‌ها را تقویت می‌نمایند. - چهار پاسگاه هم‌زمان مورد حمله دموکرات‌ها قرار گرفت. در این حمله ۳۰۰ نفر نیروی مسلح شرکت داشتند.

- در حمله مهاجمان به یک ستون حامل خواربار، ۲ سرباز و درجه‌دار شهید و ۱۸ تن دیگر مجروح شدند.

- در حمله به پاسگاه ژاندارمری‌هان گرمه، در منطقه مرزی نوسود، ۴۰۰ مهاجم شرکت داشتند. مدافعان پاسگاه که ۵۰ نفر بودند، در برابر مهاجمان مقاومت کردند و آنان را مجبور به عقب‌نشینی کردند. این حمله از ۹/۳۰ شب آغاز گردید.

- مجلس بزرگداشت شهدای سردشت^۱

به منظور بزرگداشت و تجلیل از خاطره پرشکوه ۵۲ تن از پاسداران شهید فاجعه اخیر سردشت - بانه، مجلس یادبودی از سوی آستانه مقدسه قم در صحن حضرت معصومه (س) با شرکت هزاران نفر از قشرهای مختلف مردم برگزار گردید. امام خمینی نیز در ساعت ۱۹ دیروز در میان ازدحام جمعیت شرکت‌کننده در مجلس مذکور حضور یافتند.

- دکتر یزدی با سایروس ونس، وزیر خارجه امریکا، ملاقات کرد. این اولین ملاقاتی بود که بین وزیر خارجه ایران و وزیر خارجه امریکا صورت می‌گرفت.

نوزدهم مهر

- تشییع جنازه یک میلیونی پاسداران شهید در تهران و اصفهان.
- امام طی سخنانی فرمود که دولت از سرکوب اشرار در کردستان عاجز نیست، اما ما ملت کرد را از خود می‌دانیم.^۱
- در حمله به پاسداران، ۱۰ تن از نیروهای دموکرات کشته و ۳ تن دستگیر شدند.
- صادق طباطبایی، سخنگوی دولت، در مصاحبه‌ای بیان کرد که سفیر سابق امریکا اینک در کردستان است.
- حادثه خونین سردشت و حمله به پاسداران انقلاب، موجی از خشم و تنفر در احزاب و گروه‌ها و طبقات مختلف مردم برانگیخت.
- کاخ سفید واشنگتن سالگرد خاطره کمپ دیوید را جشن گرفت و این در حالی است که اسرائیل توافقات کمپ دیوید را زیر پا گذاشته است.
- رئیس شهربانی مهاباد به شهادت رسید
- رئیس شهربانی مهاباد و سه نفر دیگر بر اثر حمله مهاجمین به شهربانی این شهر به شهادت رسیدند.

بیست و یکم مهر

- به بهانه حفظ امنیت کشتیرانی، چهار ناو جنگی امریکا در خلیج فارس مستقر شد.

- در حمله مهاجمین مسلح رئیس کلانتری مهاباد و ۳ پلیس به شهادت رسیدند.
- استاندار کرمانشاه: فعالیت‌های خارجی برای مسلح کردن عشایر منطقه گسترش یافته است.
- هلیکوپترهای خارجی برای بردن دموکرات‌ها وارد خاک ایران می‌شود.

- موافقت و شرکت مهندس بازرگان در توطئه انحلال مجلس خبرگان

عباس امیرانتظام پس از تهیه طرح لایحه انحلال مجلس خبرگان به بهانه طولانی شدن، با مهندس بازرگان تماس و او را در جریان طرح تهیه شده انحلال مجلس خبرگان قرار می‌دهد و مهندس بازرگان نیز که از تغییر اساسی در پیش‌نویس قانون اساسی و تصویب اصل ولایت فقیه به شدت ناراحت بود، با این جریان موافقت و در این توطئه شرکت کرد.

- نماینده دولت موقت اعلام کرد که خواست ضد انقلاب منطقی است!

دولت موقت در اوج فتنه و کشتار ارتشیان و پاسداران، شخصی بنام «صادق زیباکلام» را به عنوان نماینده دولت به کردستان فرستاد. دموکرات‌ها طی یک نقشه بسیار مشکوک، ظاهراً او را از محل فرمانداری مهاباد ربودند و پس از چند روز آزاد کردند. او پس از آزادی، طی مصاحبه‌ای اعلام کرد:

با گروهی از سران حزب دموکرات کردستان روبه رو شدم و با آنها به مذاکره پرداختم. در این مذاکرات متوجه شدم که خواست‌های آنها منطقی است!

بیست و دوم مهر

- طی درگیری پاسداران و دموکرات‌ها در مهاباد و بانه یک پاسدار به شهادت رسید.
- حمله گسترده دموکرات‌ها به بانه با اقدام متقابل پاسداران دفع شد.
- نماینده نخست‌وزیری از فرمانداری مهاباد ربوده شد.
- سیزده مهاجم مسلح کشته شدند.
- دولت راه‌های سیاسی را در کردستان فراموش نکرده است. وزیر کشور.

◆ مصاحبه مهندس بازرگان با خانم اورینا فالاجی خبرنگار ایتالیایی^۱

مهندس بازرگان در یک مصاحبه با اورینا فالاجی، نکات اعجاب‌انگیزی در رابطه با افکار و اندیشه‌های خود و نهضت آزادی مطرح کرد و شیوه انقلاب امام و مردم ایران را زیر سؤال برد. وی ملت ایران را ملتی توصیف کرد که آماده پذیرش آزادی نیست و آزادی برای او زود است. او در این مصاحبه اظهار داشت:

... امام هرگز نه یک مرد سیاسی بوده است، نه یک ژنرال و نه یک مدیر شرکت، با این توضیحات می‌خواهم بگویم که ایشان هرگز خود را آماده برخورد با چنین مسئولیت‌ها که اکنون بر پشت خود احساس می‌کنند، نکرده بودند. بنابراین از اینکه چگونه باید حکومت کرد و چگونه می‌بایست یک مملکت را اداره کرد ایشان اطلاعی ندارند.

این مصاحبه نشان‌دهنده یأس و ناامیدی و به بن‌بست رسیدن مهندس بازرگان بود. او در این مصاحبه از «سیاست گام به گام» خود در برابر «سیاست انقلابی» امام دفاع می‌کرد و به رغم پیروزی انقلاب اسلامی مدعی شد که اگر سیاست او پیاده می‌شد، مشکلات کمتری به وجود می‌آمد. این مصاحبه و طرح سیاست گام به گام موجب یأس کامل نیروهای انقلابی به خصوص جوانان جان بر کف از وی و سیل انتقادات از سیاست مذکور به سوی او سرازیر شد.

جذابیت شعار مبارزه با امپریالیسم
امریکا در آن مقطع، نشان‌دهنده
نفرتی بود که ملت ایران طی ۲۵
سال سلطه امریکا از این نظام
سلطه‌گر ضد انسان در دل خود
داشت.

بیست و چهارم مهر

— در عملیات پاکسازی و در حمله به
شهربانی سردشت ۴۷ دموکرات کشته
شدند.

- ناآرامی‌های بندر انزلی ۳ کشته و ۱۴ مجروح بر جای گذاشت.

- در حمله سنگین مهاجمان به بوکان و درگیری شدید با پاسداران که با مسلسل‌های کالیبر ۵۰ و آرپی‌جی صورت گرفت، یک پاسدار به شهادت رسید و سه نفر مجروح شدند. تعدادی از مهاجمان نیز کشته و مجروح شدند.

- تیمسار فلاحی: ۴۰۰ گروگان که در دست دموکرات‌ها هستند در غارهای مرزی ایران و عراق زندانی هستند.

- مهاجمان به پاسگاه ژاندارمری دوآب نرده حمله کردند.

- در حمله به مقر پاسداران سردشت ۳ پاسدار مجروح شدند.

بیست و پنجم مهر

- دفتر معاونت در امور انقلاب در نخست‌وزیری دیروز اعلام کرد دوشنبه شب عوامل حزب منحله دموکرات کردستان به محل پاسداران انقلاب اسلامی ایران در سردشت حمله کردند و پاسداران انقلاب مهاجمان را به عقب‌نشینی واداشتند.

- دکتر مصطفی چمران، وزیر دفاع: تا پایان پاکسازی منطقه در سردشت می‌مانم.

- رهبر فرقان شناسایی شد. اکبر گودرزی گروه فرقان را رهبری می‌کند. او ملبس به لباس روحانیت است.

- در حمله به ژاندارمری مهاباد دو درجه‌دار مجروح شدند.

- سه لوله نفت خام در کنار جاده مسجد سلیمان - اهواز منفجر شد.

- مهاجمان به بخش جوانرود حمله نمودند. این بخش چند ساعت صحنه درگیری بین مهاجمین و نیروهای ژاندارمری و نیروهای پاسدار بود.

- دکتر سامی، وزیر بهداشت و درمان، استعفانامه خود را به بازرگان و امام تقدیم کرد.

- حمله وحشیانه اسرائیل به جنوب لبنان. سربازان اسرائیلی در پناه تانک و توپ و هواپیما به

اردوگاه‌های فلسطینی حمله نمودند. در این حمله وحشیانه صدها کودک و زن فلسطینی جان خود را از دست دادند.^۱

– شورش و فتنه بندر انزلی توسط چریک‌های فدایی خلق

– گزارش لحظه به لحظه از دو روز برادرکشی در انزلی. ناآرامی‌های بندر انزلی ۱۲ شهید و حدود ۶۰ مجروح بر جای گذاشت. چریک‌های فدایی خلق آتش‌بیار این معرکه بودند.

بیست و ششم مهر

– تشنجات منطقه غرب تقریباً رو به اتمام است.

– در مورد حوادث اخیر غرب کشور آیت‌الله مدنی بیان داشتند: تشنجات منطقه غرب تقریباً رو به اتمام است و گروه گروه از ضد انقلابیون که ناخواسته به این ماجرا کشیده شده‌اند، اظهار ندامت کرده و مورد عفو امام قرار می‌گیرند. فقط عده‌ای مثل عزالدین حسینی و قاسملو می‌مانند که دست به یک جنگ‌های ناجوانمردانه علیه برادران خود زده‌اند که به خواست خدا در اسرع وقت غائله آنها نیز خاتمه می‌یابد.

– دولت امریکا بار دیگر ناو هواپیمابر ۶۴ هزار تنی میدوی را از دریای چین روانه آب‌های استراتژیک غرب اقیانوس هند نمود.

بیست و هفتم مهر

با هماهنگی طراحان توطئه انحلال مجلس خبرگان، روزنامه‌های ضد انقلاب تهاجمی دسته‌جمعی را به امام آغاز کردند و ایشان را متهم نمودند که توسط اطرافیان خود کانالیزه شده‌اند. توطئه‌گران سخنرانی‌ها و مقالات فراوانی در روزنامه‌های وابسته به خود نوشتند و

اصل ولایت فقیه را نیز «دیکتاتوری نعلین» (که اولین بار این لغت را بختیار در سال گذشته به کار برد) توصیف نمودند.

◆ ولایت فقیه مغایر اصل حاکمیت ملی است!^۱

حزب «جمهوری اسلامی خلق مسلمان» که ظاهراً تحت اشراف سیدکاظم شریعتمداری به وجود آمد و عناصر مشکوکی در رهبری آن حضور داشتند، جلساتی برگزار می‌نمود. در ساعت ۴ بعد از ظهر امروز نیز جلسه‌ای در دفتر این حزب برگزار شد.

رحمت‌الله مقدم مراغه‌ای یکی از توطئه‌گرانی که در جریان توطئه انحلال مجلس خبرگان نقش فعالی داشته است در این جلسه به اصل ولایت فقیه حمله کرد و اظهار داشت: «اختیاراتی که به ولی فقیه در قانون اساسی داده شده است نمی‌تواند قابل قبول واقع گردد. این اختیارات با اصل حاکمیت ملت متناقض است.»

◆ دولت فلسفه بسیار خطرناکی را پیش گرفته و آن سیاست گام به گام است

- آیت‌الله ربانی شیرازی در مراسم نماز جمعه شیراز اظهار داشت:

شورای انقلاب و دولت نتوانسته‌اند خواست‌های انقلابی مردم را جامه عمل بپوشانند. دولت فلسفه بسیار خطرناکی را پیش گرفته و آن سیاست گام به گام است که این سیاست با انقلاب سازگار نیست و با تمام احترامی که برای این دولت قائل هستم و با توجه به دستور امام مبنی بر تأیید دولت، این است که زبان من بسته شده است و از دولت می‌خواهم که انقلابی رفتار کند و این سیاست را کنار بگذارد.^۲

– تصرف مرکز رادیو تلویزیون تبریز

در تبریز اعضای حزب جمهوری اسلامی خلق مسلمان، شورشی را سازماندهی کردند و رادیو تلویزیون مرکز تبریز را تصرف نمودند.

– اربعین آیت‌الله طالقانی

در این روز که مصادف با اربعین آیت‌الله طالقانی است مراسمی به این مناسبت در بهشت زهرا برگزار شد. در این مراسم سید احمد خمینی، طاهر احمدزاده، همسر آیت‌الله طالقانی و... سخنرانی کردند.

– امام تنهاست، باید مردم او را نجات دهند

– در مراسم چهلم آیت‌الله طالقانی، طاهر احمدزاده، استاندار خراسان و عضو جبهه ملی، بیان داشت:

ای امام! ای رهبر انقلاب! ای امام مستضعفین! تو ای امام! به اتکا به خلق مستضعف خود و توده‌های عظیم خلق خود که هر گاه ندا داده‌ای بلافاصله پاسخ شنیده‌ای، انقلاب در انقلاب را آغاز کن.^۱

هدف او و دوستان همفکرش در این مقطع زمانی با توجه به نفوذ عظیم امام، تجلیل ظاهری از ایشان و تخریب شخصیت امام در باطن است:

... خواهران و برادران هر ثانیه از عمر امام را مغتنم بشماریم و پایه‌های انقلاب اسلامی خود را تحکیم بخشیم.

... همه گروه‌ها و سازمان‌ها به هر نحو و هر شکل باید بتوانند با امام رابطه مستقیم برقرار نمایند و مطالبشان را بگویند. جریان‌ات مملکت را از زبان‌های مختلف به گوش امام برسانند. اما نمی‌دانم که چرا باید تنها و تنها از یک کانال و یک طریق با امام رهبر امت باید ارتباط برقرار شود.

ای توده، ای خلق که امام رهبر توست و از میان توست، تو باید امام را از این حلقه محاصره بیرون بیاوری.^۱

با توجه به توطئه‌ای که به وسیله ملی‌گرایان و با یاری جاسوسان امریکایی طراحی و بر نام‌ریزی شد و حلقه‌های آن یک به یک اجرا گردید، سخنان این شخص علاوه بر چاپ در مطبوعات و پخش در تلویزیون، سه بار از طریق رادیو - که ریاست آن در اختیار صادق قطب‌زاده بود - پخش شد و همین امر موجب گشت که امام به سوء استفاده از رادیو و تلویزیون اعتراض نماید.

شخص امام زیرکانه مورد تهاجم قرار می‌گیرد و متهم به «انحصاری شدن» و «کانالیزه شدن» می‌گردد. روشنفکران و نیروهای ضد انقلاب و به خصوص ملی‌گرایان که توسط بلندگوهای استعماری بزرگنمایی شده بودند با مواجهه با قاطعیت امام و سد شدن راه نفوذ توطئه آنان، امام را متهم کردند که عده‌ای اطراف او را گرفته و از ارتباطشان با مردم جلوگیری کرده و او را به انحصار خود درآورده‌اند. تهاجم آن چنان سنگین بود که قرار شد مردم جهت حمایت از امام در اولین جمعه آبان راهپیمایی کنند.

بیست و هشت مهر

- در حوادث سنندج ۳ نفر کشته و ۸ نفر مجروح شدند.
- در درگیری جاده نقده ۱۰ مهاجم کشته و یک ژاندارم به شهادت رسید.
- پرتاب بمب به استانداری خوزستان.
- در هشت نقطه سنندج انفجار صورت گرفت.
- دکتر بهشتی: امریکا و اسرائیل و اروپا علیه انقلاب ایران توطئه می‌کنند.

♦ توطئه انحلال مجلس خبرگان در هیئت دولت

ملی‌گرایان سکولار نیز همراه با دوستان ملی‌گرای مذهبی‌نمای^۱ خود، به دنبال تصویب اصل ولایت فقیه در روز بیست و دوم شهریور، با کمک و راهنمایی جاسوسان امریکایی دست به توطئه انحلال مجلس خبرگان زدند.

در این روز امیرانتظام پس از تهیه متن لایحه انحلال مجلس خبرگان، قبل از تشکیل جلسه هیئت دولت، آن را به امضای چهارده تن از وزیران کابینه دولت موقت رساند.

این متن که توسط ابوالفتح بنی‌صدر، دادستان کل کشور و احمد صدر حاج سید جوادی،

وزیر دادگستری و شورایی مرکب از چند تن از وزرای کابینه دولت موقت تهیه شده بود، در اختیار عباس امیرانتظام - که محل مأموریت خود را به این بهانه ترک کرده بود که مأموران امریکایی می‌خواهند اطلاعات مهمی در رابطه با تحرکات عراق در اختیار دولت ایران بگذارند - گذاشتند. امیرانتظام نیز با کمک چند تن از وزرای کابینه و پس از جمع‌آوری امضا، آن را در اختیار مهندس بازرگان که او نیز به علت همفکری با آنان با

در هر کشوری که هستید از حیثیت اسلامی و ملی خود دفاع کنید و بی‌پروا در مقابل دشمنان خود، یعنی امریکا و صهیونیسم بین‌المللی و ابرقدرت‌های شرق و غرب، بدون هیچ ملاحظه‌ای، از ملت‌ها و کشورهای اسلامی دفاع کنید و مظالم دشمنان اسلام را بر ملا کنید.

۱. آنان از ایدئولوژی اسلامی فقط نامی با خود داشتند و از اسلام حداکثر به آداب فردی آن معتقد بودند و اگر چه به دخالت دین در سیاست نیز اعتقاد داشتند، اما دنبال اجرای سیاست اسلامی و حاکمیت قانون الهی و نظارت و رهبری و خط‌دهی دینی توسط ولی فقیه در جامعه نبودند.

۲. در حقیقت این قضیه پوششی بود که مأموران امریکایی مرتبط با او درست کرده بودند که دوری او را از محل خدمت توجیه نمایند تا او بتواند مأموریت اصلی را که انجام مقدمات انحلال مجلس خبرگان بود را همراه با دوستان ملی‌گرای خود به انجام برساند.

طرح موافقت کرده بود، گذاشتند تا در هیئت دولت صد در صد به تصویب برسد.

امیرانتظام بر اساس توطئه از قبل طراحی شده، قرار بود بلافاصله این مصوبه را در اختیار خبرگزاری‌ها و مطبوعات و رادیو تلویزیون‌های داخلی و خارجی که تا دیر وقت برای این کار آماده بودند، بگذارد و به این وسیله امام را به پذیرش انحلال مجلس خبرگان وادار کند.

در جلسه هیئت دولت با توجه به اینکه از مدتی قبل چند تن از اعضای شورای انقلاب نیز عضو کابینه شده و در سمت‌های معاونت وزیر مشغول کارهای اجرایی شده بودند، با مخالفت این اعضا یعنی آقایان سید علی خامنه‌ای و هاشمی رفسنجانی و مهدوی کنی مواجه گشتند^۱ و مجبور شدند قبل از اعلام انحلال مجلس با امام مشورت کنند و نظر ایشان را در این رابطه جویا شوند.

توطئه‌گران که تلاش‌های خود را بر باد رفته یافتند، قرار گذاشتند موضوع را خدمت امام مطرح و امام را تهدید کنند که در صورت عدم موافقت با انحلال مجلس خبرگان اعضای هیئت دولت دسته‌جمعی استعفا خواهند داد.

◆ تشنج در سنندج^۲

بر اثر درگیری‌هایی که بعد از ظهر روز پنجشنبه گذشته در سنندج رخ داد، چندین تن کشته و مجروح شدند.

امام طی سخنانی پیرامون مسائل روز و در مورد توطئه جدید دشمنان انقلاب و تلاش آنان برای متهم کردن ایشان به «انحصاری شدن» و «کانالیزه شدن» بیاناتی ایراد فرمود: «... مغرضین می‌گویند که یک کانال فقط فلانی دارد. من هیچ کانال خاصی ندارم.

۱. علت جمع‌آوری امضا قبل از جلسه نیز حضور آقایان در هیئت دولت بوده است تا وزیران در جلسه نتوانند با استدلال مخالفان نظر خود را تغییر دهند و گرنه وقتی اکثر اعضای یک جلسه، آن هم در سطح هیئت وزیران با مطلبی موافقت دارند، جمع‌آوری امضا از بی‌منطق‌ترین امور است!

۲. جمهوری اسلامی (پنجشنبه ۲۸ مهر ۵۸): ص ۲.

من هیچ اصحابی ندارم. من با همه مردم، با همه قشرها ملاقات می‌کنم، مطالب همه را می‌شنوم.»^۱

بیست و نهم مهر

- مهاباد در محاصره ارتش قرار گرفت. در درگیری‌های خانه به خانه، ۷۴ نفر در مهاباد کشته شدند. در طول شب گذشته درگیری سنگینی بین مهاجمین از یک‌سو و پاسداران انقلاب و نیروهای ارتشی از سوی دیگر در جریان بود. از اولین ساعات بامداد امروز، جنگ به صورت خانه به خانه در آمد. در این درگیری‌ها از توپ و تانک و آرپی‌جی استفاده می‌شد. در این درگیری‌ها ۱۵ نفر زخمی شدند.

- معاون سیاسی استانداری کردستان اظهار داشت که شهر مهاباد به محاصره در آمده است و با محاصره این شهر مهاجمین به تله افتاده‌اند و در تلاش‌اند به هر شکلی شده است از شهر خارج شوند و چون این امکان نیست به همین جهت شروع به تیراندازی کرده‌اند. در بین مهاجمین اشخاص خارجی نیز دیده می‌شود.

- در انفجار قطار خرمشهر - تهران ۱۱ واگن از خط خارج شد. در این جریان سه مسافر مجروح شدند.

- در درگیری شدیدی بین پاسداران و نیروهای مهاجم در بوکان که طی شب گذشته ادامه داشت دو تن از پاسداران به شهادت رسیدند.

- در ساعت یازده صبح مأموران امریکایی در جلسه‌ای با مهندس بازرگان و وزیر خارجه او و سفیر ایران در کشورهای اسکانندیناوی! یعنی عباس امیرانتظام^۲، موضوع بردن شاه را به امریکا به بهانه بیماری مطرح کردند.

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۰۳.

۲. اسناد لانه جاسوسی امریکا، ج ۱ (تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ۱۳۸۶)، ص ۵۸۰، سند ش ۱۳.

در این جلسه اگر چه دولتمردان ایرانی با این سفر مخالفت کردند، اما مخالفت جدی نیز به عمل نیاوردند. بلکه تلویحا با درخواست تضمین امریکا مبنی بر عدم فعالیت سیاسی شاه و همسرش علیه ایران در کشور امریکا و معاینه شاه و بررسی اسناد پزشکی او توسط دو پزشک ایرانی، حضور او را در امریکا پذیرفتند.

– عباس امیرانتظام در بعد از ظهر این روز نیز مجدداً با یکی از جاسوسان امریکایی بنام جاموتی جلسه داشت.^۱

– دیدار چهار ساعته هیئت دولت با امام

ساعت چهار بعد از ظهر، مهندس بازرگان با چهار تن از وزیران خود به حضور امام خمینی رسیدند.^۲

– چرا از آنچه در جلسه گذشت مردم را مطلع نمودند؟!

اما از موضوعات مهمی که در این جلسه گذشت، دولت موقتی‌ها هیچ گاه سخن به میان نیاوردند و مردم را مطلع ننمودند.

موضوع مهم این بوده است که آنان در این جلسه امام را تهدید کرده بودند که در صورت عدم موافقت ایشان با انحلال مجلس خبرگان آنان دسته‌جمعی استعفا خواهند داد و این در حالی بود که در ساعت ۱۱ صبح همان روز مهندس بازرگان و وزیر امور خارجه دولت او، دکتر ابراهیم یزدی همراه با عباس امیرانتظام سفیر ایران در استکهلم! در جلسه‌ای با مأموران امریکایی شرکت کرده و آنان خبر تصمیم دولت متبوع خود دائر بر بردن شاه به امریکا را به آنان ابلاغ کرده بودند و بلافاصله بعد از این جلسه، ایشان با چند تن از وزرای کابینه با هلی‌کوپتر عازم قم شدند و با امام ملاقات کردند.

خبر بردن شاه به امریکا نیز باعث نمی‌شود که آنان از تصمیم خود به تهدید امام برای

۱. همان، ص ۵۸۱، سند ش ۱۵.

۲. جمهوری اسلامی (۳۰ مهر ۵۸): ص ۸.

انحلال مجلس خبرگان و در صورت عدم قبول ایشان استعفای دسته‌جمعی، چشم‌پوشی نمایند!

– گزارش آیت‌الله خامنه‌ای از این جلسه

امام به طور قاطع، بدون اندکی تردید اعلام کرده بود که اگر می‌خواهید استعفا بدهید بروید بدهید، مجلس خبرگان باید باشد و به کار خود ادامه دهد.^۱

سی‌ام مهر

- شاه به بهانه معالجه سرطان به نیویورک برده می‌شود و این موضوع در رسانه‌ها اعلام نمی‌گردد. این موضوع روز قبل به اطلاع دولتمردان موقت رسیده بود.
- هجده روز پس از انفجار در راه‌آهن خرمشهر - تهران، مجدداً انفجار بمب ۱۱ واگن قطار خوزستان را از خط خارج کرد.
- امام: دشمنان اسلام به دست و پا افتاده‌اند که نگذارند اسلام تحقق پیدا کند.
- کشف یک شبکه بزرگ خرابکاری در خلیج فارس.
- هفت نظامی در تهاجم نیروهای ضد انقلاب در جاده پیرانشهر - سردشت به شهادت رسیدند.
- مهاباد دوباره صحنه جنگ شد.
- اعضای یک شبکه خرابکاری که قصد داشتند از طریق دهانه خلیج فارس وارد ایران شوند با مقادیری اسلحه و مهمات دستگیر شدند.
- امام: سخن انحرافی را در رادیو و تلویزیون مکرر می‌گذارند و اگر کسی جواب این انحراف را بدهد یا اصلاً نمی‌گذارند و یا به طور انحرافی می‌گذارند.

– امام در مورد این جلسه چه گفته‌اند؟

امام خمینی یک روز بعد از ملاقات با هیئت دولت موقت و بعد از تهاجمات سخت و گسترده چند روز اخیر علیه اصل پذیرفته شده ولایت فقیه در مجلس خبرگان، در جمع علمای غرب

تهران فرمود:

قضیه ولایت فقیه یک چیزی نیست که مجلس خبرگان ایجاد کرده باشد. ولایت فقیه یک چیزی است که خدای تبارک و تعالی درست کرده است. همان ولایت رسول الله هست و اینها از ولایت رسول الله هم می ترسند.

نطق های شما به اسلام ضررش بیشتر از آن توپهایی است که آنها به جوانان ما می بندند و تفنگهایی که آنها می بندند ضررش به اسلام بیشتر است. برای اینکه آنجا دشمن معلوم است و شما به صورت های مخفی به میدان می آید.

قلم های شما از سر نیزه های رضاخان بدتر است برای اسلام و شما مضرتتر هستید از رضاشاه و محمدرضا برای اسلام برای اینکه آنها معلوم بود مخالف هستند و مردم می شناختند آنها را، مخالفت می کردند با آنها، مقاومت می کردند. شما در پوشش اسلام، در پوشش طرفداری از خلق مسلمان، بر خلاف اسلام دارید عمل می کنید.

مگر شما می توانید که مجلس خبرگانی که ملت با آن آرای زیاد این مجلس را درست کرده، با یک کلمه ای که شما بگویید: «ما می گوئیم که منحل باشد»، مگر با این حرفها شما می توانید...^۱

– ولایت فقیه «ضد دیکتاتوری» است، نه «دیکتاتوری»

شما از ولایت فقیه نترسید، فقیه نمی خواهد به مردم زورگویی کند. اگر یک فقیهی بخواهد زورگویی کند، این فقیه دیگر ولایت ندارد. اسلام است، در اسلام قانون حکومت می کند. پیغمبر اکرم هم تابع قانون بود تابع قانون الهی، نمی توانست تخلف بکند.

دیکتاتوری در کار نیست. می خواهیم جلوی دیکتاتور را بگیریم. ولایت فقیه، ولایت بر امور است که نگذارد این امور از مجاری خودش بیرون برود. نظارت کند بر مجلس، بر رئیس جمهور که مبدا یک پای خطایی بردارد.

برگردید به دامن همین ملت، همان طوری که توصیه به دموکراتها کردم. به شما هم

می‌کنم و شما و آنها (را) مثل هم می‌دانم، منتها شما ضررتان بیشتر از آنهاست.^۱

– بنده تردید دارم که لیله اله‌ریر^۲ این جنگ طولانی، گذشته باشد.

آیت‌الله خامنه‌ای در حالی که عازم حج بود، طی سخنانی در حضور امام و در مجلسی که به مناسبت دومین سالگرد شهادت آیت‌الله سید مصطفی خمینی، در شب یکم آبان در مسجد اعظم قم برگزار شده بود، هشدارهای قابل توجهی به دلسوزان انقلاب داد. این سخنان درست در لحظاتی بیان شد که شاه را به امریکا بردند و هنوز خبر ورود او را منتشر نکرده بودند. سخنان ایشان به خوبی تفاوت دیدگاه‌ها و تفاوت خط سیاسی و فکری مسئولان اجرایی انقلاب از یک‌سو، و رهبران روحانی آن و مردم انقلابی کشور را از سوی دیگر نشان می‌داد. او در قسمتی از بیانات خود گفت:

به خدا مبارزه تمام نشده. بنده تردید دارم که سخت‌ترین میدان مبارزه این ملت در طول پنج سال اخیر در آینده نباشد.

بنده تردید دارم که لیله اله‌ریر این جنگ طولانی گذشته باشد. ملت مسلمان ایران اگر می‌خواهد از اسلامش، از آرمان‌هایش، از دینش، از شرفش و از استقلالش دفاع کند، اگر می‌خواهد خود را به استقلال اقتصادی و سیاسی و سپس فرهنگی برساند، باز باید مبارزه کند. مبارزه تشکل لازم دارد. مبارزه، محبت میان صفوف مبارزان لازم دارد. اینکه امام این همه روی وحدت کلمه تأکید می‌کنند، این از عمق ایدئولوژی اسلامی برمی‌آید و بر می‌خیزد. برای همین است که بزرگان فرموده‌اند: «اسلام، توحید کلمه و کلمه توحید است» و افزوده‌اند: «کلمه توحید از توحید کلمه جدا نیست.»^۳

۱. همان، ص ۳۱۱.

۲. لیله اله‌ریر سخت‌ترین و خونین‌ترین و پرشورترین و حماسه‌آفرین‌ترین شب در جنگ صفین بوده است و تلفات فراوانی به سپاه حضرت علی (ع) و نیز سپاه معاویه وارد گردید. به خاطر ناله فراوان و جانکاه مجروحان، این شب را بدین صفت موصوف کرده‌اند.

۳. از سخنان آیت‌الله کاشف الغطا.

و از عشق و شور و ایمان مردم می‌ترسند. شخص امام را مورد حمله قرار نمی‌دهند اما ارگان‌های وابسته به امام را به تدریج شروع به کوبیدن کردند. می‌گویند امام تنهاست. به خدا شما می‌خواهید امام را تنها بگذارید. شما می‌خواهید امام تنها بشود. امام تنها نیست. دل این امت با امام است. دلسوزترین انسان‌ها با امام‌اند، در اختیار امام‌اند. این قدر این رهبر را زیر نامش نکوبید.

◆ آبان، ماه حماسه

یکم آبان

– دومین سالگرد شهادت آیت‌الله سید مصطفی خمینی

با پایان یافتن ماه مهر توطئه‌آمیز و تداوم این توطئه‌ها در آبان، در طلوعه این ماه امریکا دومین اشتباه بزرگ تاریخی خود را در رابطه با ایران، درست در همان تاریخ اشتباه اول انجام می‌دهد و شاه را بر اساس یک توطئه حساب شده و برای گره زدن آخرین حلقه‌های این توطئه به امریکا می‌برد.

در یکم آبان ۵۶، اشتباه بزرگ شاه و کارتر این بود که با به شهادت رساندن آیت‌الله مصطفی خمینی و قربانی کردن او در مطلع فضای باز سیاسی و حقوق بشر کارتری، انقلاب اول را شعله‌ور ساختند و توده‌های میلیونی را عاصی و به خیابان‌ها کشاندند. به شهادت رساندن ایشان که در آستانه سفر شاه به امریکا انجام شد، بزرگ‌ترین اشتباه شاه و امریکا بود و موجب بیداری توده‌های مردم مسلمان و آغاز انقلاب اسلامی گردید. مجالس ختم ایشان جو خفقان را شکست و شعارهای مرگ بر شاه را عمومی نمود. نتیجه این اشتباه سقوط شاه و فرو ریختن پایه‌های تسلط امریکا بر ایران و پذیرش شکست و از دست دادن جزیره ثبات امریکا در منطقه استراتژیک خاور میانه گردید و ریشه سلطه امریکا را سوزاند و در فاصله پانزده ماه، شاه را سرنگون و امریکا را نلیلانه مجبور به خروج از دنیای سیاست در ایران

نمود.

امریکا با پیروزی انقلاب اسلامی همه چیز خود را از دست رفته می‌دید و نمی‌توانست به خود بباوراند که آن همه منفعت را به این راحتی و با قیام یک ملت دست خالی از دست داده است و لذا پس از پیروزی انقلاب با بسیج تمام وابستگان داخلی و خارجی خود و با برپایی انواع توطئه‌ها می‌خواست دوباره آب از جوی رفته را به جوی بازگرداند، لذا در آخرین روز مهر ۵۸ و درست دو سال بعد از شهادت آیت‌الله مصطفی خمینی و درست در ساعاتی که مجالس دومین سالگرد شهادت ایشان در سراسر کشور برگزار شده بود، کارتر برای جبران شکست اول، شاه را به امریکا می‌برد. این اشتباه بزرگ، آتش کینه انقلابی ملت ایران را پس از نه ماه تحمل شعله‌ور ساخت. دشمن با اینکار به کمینگاه انقلاب وارد شده بود و فرصتی طلایی‌تر از این برای انقلاب وجود نداشت. به همین دلیل امام تهاجم خود را آغاز کرد و در سخنرانی‌های خود بی پروا لبه تیز حملات را به سوی امریکا و وابستگان مزدور قلم و سلاح به دست داخلی او گرداند.

جهت اعلام همبستگی امت و امام، اعلام راهپیمایی شد، و قرار بر این شد که اولین جمعه آبان راهپیمایی برگزار شود.

دوم آبان

- دو بمب در خرمشهر منفجر شد.
- امروز رسماً اعلام شد که شاه مبتلا به سرطان است و برای معالجه وارد امریکا شده است.
- دولت ایران که چهار روز قبل از این قضیه اطلاع یافته بود، امروز در مورد فعالیت‌های سیاسی شاه در امریکا به این کشور هشدار داد.
- سخنگوی رسمی وزارت امور خارجه امریکا اظهار داشت که دولت واشنگتن قبل از دادن روایت به شاه سابق که پس فردا ۶۰ ساله می‌شود، با مقام‌های ایرانی تماس گرفته بود و

اضافه کرد که مدت اقامت محمدرضا در امریکا به وضع بیماری وی بستگی دارد.

– یک سخنگوی سفارت ایران در واشنگتن نیز به نوبه خود به خبرگزاری فرانسه گفت که با وجود اطمینان کافی که وزارت خارجه امریکا داده است، سفارت به تحقیقات لازم دست خواهد زد تا معلوم شود آیا شاه سابق واقعا بیمار است یا خیر و اگر مسئله بیماری او حقیقت نداشته باشد، رسماً به دولت امریکا اعتراض خواهد کرد.^۱

– چنان که گذشت پس از وفات آیت‌الله طالقانی، عوامل ضد انقلاب در چهره‌های گوناگونی که به خود گرفته بودند، تهاجم گسترده‌ای را علیه شخص امام آغاز کرده بودند. تهاجم آن‌چنان سنگین بود که پس از سخنان امام در این رابطه، قرار شد برای حمایت از امام، در اولین جمعه آبان راهپیمایی همبستگی امت با امام برگزار گردد. در این رابطه، ستادی نیز تشکیل شد و طی بیانیه‌ای اعلام کرد:

امام همیشه پیشتاز امت است و در این مرحله حساس انقلاب که توطئه‌گران وحشتزده و عوامل سوذو مذبوحانه می‌کوشند به انواع وسایل حتی با شایعه‌پراکنی و تبلیغات سوء، امام را از امت جدا سازند و این برنامه‌ای است که سال‌ها در نظر داشته‌اند، اجرا کنند و هر بار ملت ایران نشان داده است که امام خویش را می‌شناسد و به راهش ایمان دارد و او را با قطره قطره خون خویش یاری داده و می‌دهد و خواهد داد.

و اینک بار دیگر به منظور سرکوب توطئه‌های داخلی و خارجی، روز جمعه چهارم ذیحجه مطابق با چهارم آبان ماه به راهپیمایی خواهیم پرداخت و نماز جمعه را تجلی‌گاه بیعت جاودانه با امام خواهیم ساخت.^۲

– اعمال رسوای جاسوسان به اصطلاح فدایی خلق

امام در رابطه با جنایات فداییان خلق که ادعای مبارزه با امپریالیسم را داشتند می‌فرماید: الان هم اینها که هستند و با فدای خلق و فدایی خلق، خلق را به باد فنا می‌دهند! و

۱. اطلاعات (۲ آبان ۵۸): ص ۲.

۲. جمهوری اسلامی (۲ آبان ۵۸): ص ۲.

خرمن‌ها را آتش می‌زنند، کارخانه‌ها را از کار باز می‌دارند، همه خرابکاری‌ها را دارند می‌کنند. جاسوسی‌شان هم ثابت است و ارتباطشان هم با... صهیونیسم و اینها ثابت است، اینها الان افتاده‌اند بین مردم و به اسم اینکه ما فدای شما هستیم... لکن خرمنشان را آتش می‌زنند!! اینها فدایی هستند، لکن در کردستان آن قدر آدم می‌کشند و الان هم در کردستان مشغول همین فتنه‌گری هستند!! فدایی‌های این طوری هستند.^۱

سوم آبان

– همه مردم با من تماس دارند

امام در رابطه با تهمت‌هایی که به او زده می‌شد، در سخنرانی پاسخ داد و فرمود:
می‌گویند که اصلا کسی با فلانی ملاقات نمی‌کند. یک کانال دارد... در صورتی که من از صبح که پا می‌شوم... با مردم مختلف با اشخاص مختلف... طوایف مختلف با من صحبت می‌کنند و حرف‌هایشان را می‌زنند.^۲

چهارم آبان

ملت مسلمان و قهرمان و انقلابی ایران نیز با راهپیمایی چهارم آبان و ضمن اعلام حمایت از امام و اعلام آمادگی جهت جانفشانی برای تداوم انقلاب تا آخرین منزل آن، با شعار مرگ بر امریکا، تهاجم خود را به امریکا آغاز نمود و خواستار باز گرداندن شاه شد.
اوضاع در حال تغییر است. قانون اساسی در حال اتمام است. تهاجم دشمن سنگین است و انقلاب نیز حملات خود را باید آغاز نماید. امام نیز لبه تیز حمله خود را متوجه امریکا و مزدوران داخلی آن می‌کند. اولین گلوله توپ انقلاب، توسط رهبر آگاه آن در مرداد ماه به

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۳۷.

۲. همان، ص ۳۴۷.

سمت استکبار جهانی شلیک شده و دقیقاً بر قلب آنها خورده است.

اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز قدس در این سال و راهپیمایی شورانگیز مردم روزه‌دار در ایران و در خارج در حمایت از مسئله فلسطین و حقوق مردم آواره این سرزمین و اشغال اولین قبله مسلمین، آن‌چنان برای سلطه‌گران جهانی گران بود که عصر همان روز تهاجم مزدوران داخلی آنها برای تصرف پاوه و جدایی کامل کردستان آغاز می‌شود.^۱ قرن چهاردهم دارد به پایان می‌رسد و قرن پیروزی مستضعفان بر مستکبران فرا خواهد رسید.

- به دنبال توطئه دشمنان و هجوم به امام و متهم نمودن ایشان به کانالیزه شدن، شهرها و روستاهای ایران امروز شاهد یکی از راهپیمایی‌های بسیار بزرگ مردم انقلابی برای حمایت از امام بود. در جریان این راهپیمایی خیل عظیم شرکت‌کنندگان یک بار دیگر رهبری امام را مورد تأیید و تأکید قرار دادند و میثاق خود را با ایشان نیرومندتر از گذشته تکرار و تجدید نمودند و به دشمنان هشدار دادند.

- تهران نیز شاهد راهپیمایی چند میلیون نفری مردم انقلابی بود. راهپیمایان از ده نقطه تهران به سمت دانشگاه تهران به حرکت در آمدند و در مسیر خود شعارهایی در حمایت از ولایت فقیه و نیز شعارهای متعددی علیه امریکا و اسرائیل و صهیونیسم و توطئه‌گران ضد انقلاب می‌دادند.

- بیش از صد هزار نفر از زائران ایرانی همراه با ده‌ها هزار نفر از زائران کشورهای اسلامی در راهپیمایی همبستگی امت با امام در مکه مکرمه شرکت نمودند. این راهپیمایی از میدان شیشه آغاز و تا مسجدالحرام ادامه یافت. راهپیمایان در میان تدابیر امنیتی مأموران سعودی و در حال سکوت کامل پس از پیمودن این مسیر هشت کیلومتری در نماز جمعه شرکت

۱. آن‌چنان این موضوع برای استکبار جهانی سنگین بود که یک هفته بعد مساعدت را مجبور می‌کنند از فلسطین اشغالی دیدار و مقدمات صلح سازشکاران عربی فراهم شود.

نمودند.^۱

پنجم آبان

- تظاهرات ایرانیان در امریکا

- حدود دو هزار نفر از اعضای جامعه ایرانیان امریکا با شعار مرگ بر شاه و زنده‌باد آیت‌الله خمینی در نیویورک علیه حضور شاه در امریکا دست به تظاهرات زدند. این تظاهرکنندگان در میان مراقبت‌های شدید پلیس امریکا از خیابان‌های نیویورک گذشتند، ولی به بیمارستان کروئل - که شاه در طبقه هفدهم آن بستری بود - نزدیک نشدند. یکی از پزشکان بیمارستان اظهار داشت که برای درمان این بیماری، شاه باید شش ماه تا یکسال در امریکا بماند.^۲

- آسوشیتد پرس اعلام کرد که هم اکنون شصت هزار ایرانی با ویزای تحصیلی در دانشگاه‌ها سرگرم درس خواندن هستند و طبق گزارش‌های دیگر هزاران تن نیز با ویزاهای دیگر به درس خواندن مشغول‌اند.^۳

- امام خمینی به مناسبت آغاز قرن پانزدهم هجری قمری که با پایان ماه آبان و آغاز ماه آذر شروع می‌شود پیامی برای شورای انقلاب جمهوری اسلامی فرستادند:

در آستانه فرا رسیدن یک هزار و چهار صدمین سال هجرت پر برکت حضرت خاتم‌الانبیاء - صلی الله علیه و آله و سلم - که سرلوحه نهضت انقلابی اسلام، تحت راهنمایی قرآن کریم و رهبری انسان‌ساز والاترین مرد جهان است، مقتضی است با همکاری ملت و دولت برای بزرگداشت این قرن عظیم پربرکت، برنامه‌های انقلابی بر پا دارید.

۱. اطلاعات (۵ آبان ۵۸): ص ۱ و جمهوری اسلامی (۵ آبان ۵۸): ص ۲.

۲. همان، (۶ آبان ۵۸): ص ۱۲.

۳. همان، (۵ آبان ۵۸): ص ۱۲.

قرن گذشته گرچه برای ملت عزیز ما و برای اسلام و کشور مصیبت‌بار بود، لکن نهضت اسلامی ایران در اواخر این قرن، سرنوشت امت اسلام را در قرن آتی دگرگون خواهند نمود.^۱

ششم آبان

- اعلام جشن آغاز قرن پانزدهم

امام با توجه به پایان قریب‌الوقوع قرن ۱۴ هجری و آغاز قرن پانزدهم در اواخر آبان و ضمن دستورالعملی برای شورای انقلاب برای برپایی جشن‌های آغاز پانزدهمین قرن هجرت پیامبر عظیم‌الشأن اسلام بیان داشت:

قرن گذشته گرچه برای ملت عزیز، و برای اسلام و کشور مصیبت‌بار بود لکن نهضت اسلامی ایران در اواخر این قرن سرنوشت امت اسلام را در قرن آتی دگرگون خواهند نمود. امید واثق که شروق در بند، و خصوصاً کشورهای اسلامی، در زیر پرچم توحید به مبارزات خود برای استقلال و آزادی ادامه داده تا از چنگ غرب و شرق توطئه‌گر نجات پیدا کنند و این قرن، قرن نورانی کشورهای اسلامی می‌باشد.^۲

گویا خداوند همه تاریخ را با هم هماهنگ کرده بود تا در پایان قرن چهاردهم هیبت و همین‌ه مستکبران جهانی در هم شکسته شود.

هفتم آبان

- در حمله افراد مسلح به ستون نظامی، پنج درجه‌دار و سرباز زخمی شدند.
- در درگیری‌های بوکان دو پاسدار و یک درجه‌دار به شهادت رسیدند.

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۶۴.

۲. همان.

- دکتر سامی وزیر بهداشت و درمان استعفانامه خود را به بازرگان و امام تقدیم کرد.^۱

- مهاجمان ضد انقلاب با سلاح‌های سنگین از جمله آرپی‌جی و خمپاره به پاسگاه‌های مرزی باویسی، شیخ سله و پیشگان در منطقه اورامانات حمله کردند. در این حمله چند تن از نیروهای ژاندارمری مجروح و یک تن از مهاجمین کشته شدند.^۲

- شهردار نیویورک تظاهرات در اطراف بیمارستان کروئل را که شاه در آنجا بستری بود به بهانه رعایت حال بیماران ممنوع نمود. در چند روز گذشته صدها دانشجوی ایرانی به طور متوالی در مقابل این بیمارستان دست به تظاهرات زده بودند.^۳

- هیئت دولت تجانس و هماهنگی ندارند، استعفا می‌دهم

در دهمین روز آبان، امام طی پیامی از دانش‌آموزان و دانشگاهیان و محصلین علوم دینی خواستند که حملات خود را با قدرت تمام علیه امریکا و اسرائیل گسترش دهند و امریکا را به استرداد شاه جنایتکار وادارند.

متن استعفانامه دکتر کاظم سامی، وزیر بهداری دولت موقت، که در تاریخ ۲۵ مهر نوشته شده و برای امام و مهندس بازرگان ارسال گردیده بود، امروز و هم‌زمان با پذیرش استعفای او از جانب مهندس بازرگان، منتشر شد. او دلایل استعفای خود را چنین بیان کرد:

- عدم تجانس در هیئت وزیران و تمایلات گروهی و فرقه‌ای و دسته‌بندی برای کسب قدرت بیشتر.

- عدم وجود یک سیاست واحد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی برای ساختن یک جامعه انقلابی اسلامی.

۱. اطلاعات (۷ آبان ۵۸): ص ۱۲.

۲. همان، (۹ آبان ۵۸): ص ۱۱.

۳. همان، (۷ آبان ۵۸): ص ۲.

- عدم هماهنگی در برنامه‌های وزارتخانه‌ها و در کل با اهداف انقلاب.
- عدم اعتماد به ادامه خدمت در آینده و در نتیجه عدم امکان برنامه‌ریزی‌های لازم و مدت‌دار.
- عدم همکاری و وجود سانسور در سیستم ارتباط جمعی، به ویژه در رادیو و تلویزیون در معرفی دستاوردهای انقلاب و زمینه‌سازی فرهنگی و انقلابی که امکان عمل انقلابی را از بین می‌برد.^۱

- تمام گرفتاری‌های مسلمین از امریکااست

امام خمینی در دیدار با اعضای انجمن اسلامی دانشجویان مدرسه عالی ترجمه مفیدی از مطالب مهمی در رابطه با امریکا بیان داشتند. به دنبال این سخنرانی و حمله شدید امام به سیاست‌های امریکا، احزاب و گروه‌های سیاسی، مردم را به برگزاری نماز عید قربان و تظاهرات ضد امریکایی و راهپیمایی به سمت سفارت امریکا دعوت نمود. منتخبی از مطالب امام به این صورت است:

- نه ما تنها... شرق باید خودش را که گم کرده پیدا کند.
- فرهنگ غرب از شرق رفته است.
- شما ببینید... با چه موجودات کثیفی در امریکا ما مواجه هستیم.
- بروید دنبال اینکه فکرتان را مستقل کنید.^۲

ایشان در این سخنرانی به قلم به داستان وابسته به امریکا شدیداً حمله کرد و بیان داشت: شما ببینید که ما با چه موجوداتی مقابل هستیم، امریکا و دولت‌های ابرقدرت با ما چه معامله می‌کنند و ما باز خاضع آنها هستیم. بشکند قلم‌هایی که برای اینها دارد کار می‌کنند... و ببرد زبان‌هایی که به نفع اینها دارد صحبت می‌کند و ملت را می‌خواهد تباه

۱. همان، (آبان ۵۸): ص ۱۲.

۲. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۳۹۱ و ۳۹۲.

کند... الان تمام گرفتاری ما از امریکا است.^۱

هشتم آبان

دومین گام تهاجم جهانی اسلامی علیه سلطه‌گران جهانخوار

- راهپیمایی و تظاهرات در کنار خانه خدا و بیدارسازی مسلمانان

ایام حج فرا رسیده بود و روز دهم آبان عید قربان بود، امام ضمن پیامی به حجاج در هشتم آبان از حجاج خواست توطئه‌های امریکا و اسرائیل را به گوش جهانیان برسانند. حجاج ایرانی همراه با حجاج غیر ایرانی طرفدار انقلاب اسلامی فداکارانه، ضمن راهپیمایی و تظاهرات در کنار خانه خدا به این وظیفه الهی خود جامه عمل پوشاندند و به این وسیله دومین تهاجم جهانی انقلاب برای بیدارسازی مسلمانان آغاز گشت.

- دکتر ابراهیم یزدی در آستانه سفر به الجزایر به منظور خداحافظی و کسب تکلیف و راهنمایی، عصر امروز به حضور رهبر انقلاب رسید. او به مدت یک ساعت با رهبر انقلاب به مذاکره پرداخت. او در پایان ملاقات خود اعلام نمود که فردا همراه با مهندس بازرگان برای شرکت در جشن‌های بیست و پنجمین سالگرد انقلاب الجزایر عازم این کشور خواهد شد. او اضافه کرد: «امام پیام مهمی خطاب به مردم الجزایر و افریقا فرستاده‌اند که این پیام در روز عید قربان تسلیم مقامات الجزایر خواهد شد.»^۲

نهم آبان

- در چند روز گذشته ۷ پاسدار در بوکان به شهادت رسیدند. اوضاع در بوکان ناآرام و زد و خورد میان پاسداران و مهاجمین ضد انقلاب ادامه دارد.

۱. همان.

۲. اطلاعات (۹ آبان ۵۸): ص ۱۲.

- امام در پیامی به حجاج به مناسبت روز عرفه فرمود:

«توطئه‌های امریکا و اسرائیل را به گوش جهانیان برسانید.»

- کشف ۸ بمب در خرمشهر

- خبرها حاکیست که شاه قرار است در محل بیمارستانی که ظاهراً در آن بستری است در روز دوم نوامبر (۱۱ آبان) در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت نماید.

دهم آبان

۴۰ قربانی در روز عید قربان!

- ۱۳۶ نفر از نیروهای ارتش به دست عوامل امریکا، شهید و مجروح شدند

- در تهاجم ناگهانی و ناجوانمردانه نیروهای ضد انقلاب به ستون نیروهای ارتشی در درون شهر بانه، بیش از ۴۰ نفر از ارتشیان غیور به شهادت رسیدند و ۷۰ نفر نیز مجروح شدند. از سرنوشت ۶۰ تن دیگر از آنان نیز خبری در دست نیست. این نیروها پس از پایان مأموریت از سردشت به بانه آمده و عازم تهران بودند. مهاجمین در میان مردم موضع گرفته بودند و نیروهای این ستون برای جلوگیری از آسیب رسیدن به مردم از تیراندازی به سوی آنان خودداری نموده بودند.^۱ این جنایت ساعتی پس از بازگشت مردم از مراسم عید قربان در گورستان بانه اتفاق افتاد.

- با قدرت تمام حملات خود را علیه امریکا و اسرائیل گسترش دهید

امام خمینی در آستانه ۱۳ آبان، اولین سالگرد شهادت دانش‌آموزان در مقابل درب ورودی دانشگاه تهران به دست نیروهای شاه که به عنوان روز دانش‌آموز برگزیده شده است، پیامی تاریخی و تاریخ‌ساز صادر نمود و از روحانیون سراسر کشور خواست تا با شرکت در

۱. جمهوری اسلامی (۱۲ آبان ۵۸): ص ۱ و ۲ و اطلاعات (۱۳ آبان ۵۸): ص ۲.

راهپیمایی این روز و با حضور در دانشگاه‌های سراسر کشور توطئه جدایی دو قشر روحانی و دانشگاهی را خنثی نمایند. در این پیام امام فرمود:

بر دانش‌آموزان، دانشگاهیان و محصلین علوم دینی است که با قدرت تمام، حملات خود را علیه امریکا و اسرائیل گسترش داده و امریکا را وادار به استرداد این شاه مخلوع جنایتکار نمایند و این توطئه بزرگ را بار دیگر شدیداً محکوم کنند.^۱

– برپایی اولین نماز عید اضحی بعد از انقلاب

ترمینال خزانه امروز شاهد برگزاری مراسم عید اضحی بود. حدود دو میلیون نفر جمعیت نمازگزار در حالی که مرتباً تکبیر می‌گفتند وارد محوطه ترمینال شدند. به صورتی که محوطه وسیع ترمینال و اطراف آن پر از جمعیت شد.

– راهپیمایی پس از نماز عید قربان

مردم انقلابی ایران که در سال گذشته هفتاد هزار شهید گرانقدر را قربانی آزادی و استقلال و تشکیل نظام جمهوری اسلامی نموده بودند و نه ماه پس از انقلاب با دلی خونین و قلبی پر درد از جنایات ضد انقلاب و سازشکاری دولتمردان، صبر را پیشه کرده بودند و امام به دلیل ضرورت تصویب قانون اساسی و راه افتادن تشکیلات حکومتی، هنوز آنها را برای دفاع از انقلاب فرا نخوانده بود، پس از نماز عید قربان، ضمن راهپیمایی و سر دادن شعار مرگ بر امریکا، دخالت امریکا در امور ایران و بردن شاه را به این کشور محکوم و با صدور قطعنامه‌ای خواستار استرداد او شدند. در این قطعنامه آمده است:

از ملت امریکا می‌خواهیم که از دولت خود بخواهند قبل از عکس‌العمل شدید ملت ما، هر چه زودتر این جنایتکار فراری و سایر عمال خون‌آشام رژیم سابق را برای محاکمه به ایران تحویل دهند.

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۱۲. (این پیام موجب شد که دانشجویان مسلمان پیرو خط امام برای اعتراض به بردن شاه به امریکا، برنامه تسخیر لانه جاسوسی را طراحی نمایند.)

ما خواهان معرفی هر چه زودتر سانسورگران پیام امام و مسموم‌کنندگان افکار و تخریبگران اندهان و استعمارگران و منحرفین و زمینه‌سازان اغتشاش به مردم و دادگاه‌های انقلاب هستیم.

– برپایی تظاهرات در سرزمین وحی و در میان میلیون‌ها حجاج جهان اسلام

در مراسم اولین حج بعد از انقلاب و در روز عید قربان نیز برای اولین بار حجاج انقلابی ایرانی بر اساس رهنمودهای امام در پیام حج خود، با فریاد مرگ بر امریکا و مرگ بر اسرائیل، به راهپیمایی و تظاهرات پرداخته و از مسلمانان جهان خواستند که دست به دست هم دهند و در برابر ابر قدرت‌هایی که عزت و کرامت آنان را پایمال مطامع خود نموده‌اند به پا خیزند. این فداکاری بی‌نظیر و ایثار آشکار موجب آگاهی حجاج سایر کشورها شد و زمینه بیداری آنان را فراهم نمود و جبهه جدیدی را علیه مستکبران جهانخوار و سلطه‌گران جهانی گشود. در این راهپیمایی عظیم ده‌ها هزار نفری، ندای اعتراض به سلطه‌گران جهانی از منبر بزرگی که خداوند جهت هدایت و قیام و منفعت مسلمانان در میان آنان برافراشته، به گوش همه مسلمانان و جهانیان رسانده شد. حجاج تظاهرکننده در پایان این راهپیمایی تاریخی با صدور قطعنامه‌ای علیه امریکا دخالت این ابر قدرت در کشور و بردن شاه را به امریکا محکوم نمودند. این راهپیمایی بی‌نظیر اولین گام برای بیداری مسلمانان تحت ستم جهان و اولین گام برای برپایی حج ابراهیمی و رمی شیاطین انس و جن و اولین گام برای بیرون راندن سلطه‌گران از کشورهای اسلامی بود.

◆ ملاقات با برژینسکی

در همین زمان که ملت ایران چون آتشفشانی که علیه ظلم‌ها و ستم‌ها و غارتگری‌های سلطه‌گران امریکایی به فوران در آمده بود، خط دیگری در جامعه انقلابی، گام به گام به سمت و سوی امریکا حرکت می‌کرد و در حالی که مردم ایران که با خون خود و با دست خالی شاه

و اربابانش را از ایران بیرون کرده بودند، آنان در صدد مذاکره و سازش و طلب کمک از امریکا برآمده بودند.

در حالی که سراسر کشور تظاهرات ضد امریکایی به راه افتاده بود و همه با فریادهای مرگ بر شاه و مرگ بر امریکا خواستار بازگرداندن شاه به ایران بودند. دولتمردان کشور هنوز در خواب بودند و پس از گذشت نه ماه از پیروزی انقلاب اسلامی در حال و هوای مرداد سال ۳۲ و آنچه رهبرشان در آن ماه در آن سال انجام داد به سر می‌برند و هنوز در فکر مذاکره با امریکا و جستن راه حلی برای حل مشکلات انقلاب اسلامی با کمک آنان بودند و در حالی که امریکا توطئه‌های گوناگونی را توسط عوامل داخلی‌اش به خصوص عوامل نفوذی خود در دولت موقت، به هم گره می‌زند تا آخرین قدم‌ها را برای بازگشت به ایران بردارد، اینان نه تنها هنوز بیدار نشده‌اند بلکه در فکر انجام توطئه علیه امام و انقلاب^۱ و مذاکره با امریکا بودند ناگهان اعلام شد که بعد از ظهر همین روز در حالی که ساعتی از رسیدن هیئت ایرانی به الجزیره نگذشته است، رئیس دولت و وزیر خارجه‌اش در حالی که حامل پیام ضد امریکایی امام برای مردم الجزایر و مسلمانان جهان نیز هستند، برژینسکی مشاور امنیتی کارتر^۲ را در محل استقرار خود پذیرفتند و به مذاکره با او پرداختند.^۳

۱. شرکت در توطئه انحلال مجلس خبرگان در آخر مهر ماه و نیز توطئه مذاکره با برژینسکی و امام را در برابر عمل انجام شده قرار دادن و شکستن قبح مذاکره با امریکا و عادی کردن آن.

۲. اعجاب‌انگیز اینکه رئیس دولت موقت نه با همتای خود بلکه با شخص درجه دو کشور دیگری به مذاکره می‌نشیند. برژینسکی بیان داشت که پیشنهاد دهنده ملاقات نیز مهندس بازرگان بوده است. اگر چه مهندس بازرگان این موضوع را نفی کرد ولی در هر صورت این سؤال مطرح است که اگر پیشنهاد ملاقات نیز از جانب امریکا داده شده است، رئیس دولت ایران چگونه به خود قبولانده است این دعوت را بپذیرد در حالی که شاه را به امریکا برده‌اند؟!

۳. از ساعت ۵/۳۰ تا ۷ بعد از ظهر به وقت الجزیره. (تقریباً در همین ساعتی که جلسه برقرار بوده است آیت‌الله قاضی طباطبایی توسط عوامل امریکا به شهادت رسید و ساعتی قبل نیز عوامل امریکا چهل تن از نیروهای ارتش را در بانه به شهادت رسانده و هفتاد نفر از آنان را مجروح کرده بودند). ابراهیم یزدی در رابطه با دلایل ملاقات

مذاکره مهندس بازرگان با برژینسکی قبل از ملاقات با رئیس‌جمهور الجزایر بوده است.^۱ این خبر در میان اعجاب مردم انقلابی ایران با سرعت توسط خبرگزاری‌ها به همه جهان مخابره شد.

این ملاقات برای مهندس بازرگان و دولت او بسیار گران تمام شد. همان‌گونه که مصاحبه ایشان با اورینا فالاجی و بیان این موضوع که «من از اول با انقلاب موافق نبودم و خواستار سیاست گام به گام بودم و اینک نیز به همان سیاست اعتقاد دارم و آن را از سیاست امام بهتر می‌دانم.» برای ایشان و همفکرانش بسیار گران تمام شد و لبه تیز حمله همه جناح‌های انقلاب را به سویشان گرداند.

مذاکره رئیس دولت موقت و وزیر خارجه او با برژینسکی، مشاور امنیت ملی کارتر در الجزایر آن چنان مردم انقلابی و مسلمان ایران را به خروش آورد و آن چنان برای دو طرف مذاکره کوبنده بود که پیروان خط سازش و طرف‌های امریکایی آنها به دلیل آثار و عواقب آن، هیچ کدام مسئولیت پیشنهاد شروع آن را نپذیرفتند و بر گردن طرف مقابل انداختند.

– مهندس بازرگان و دکتر یزدی درباره این ملاقات چه گفته‌اند؟

برای روشن‌تر شدن موضوع نظریات هر دو آورده می‌شود:

مهندس بازرگان در این رابطه در مصاحبه‌ای با خبرگزاری پاریس بیان داشت:

سه‌شنبه گذشته یعنی دو روز قبل از عزیمت من به الجزایر^۲ کاردار سفارت امریکا در

تهران به من اطلاع داد که برژینسکی مایل است هنگام اقامت من در الجزایر، ملاقات و

مذاکره انجام دهد و امروز این دیدار انجام شد.^۳

حجت‌الاسلام سید احمد خمینی در یک مصاحبه مطبوعاتی شرکت نمود. از ایشان در مورد

با برژینسکی بیان کرده است که این تماس در جهت تفهیم کردن مواضع انقلابی ایران به برژینسکی بوده است!

۱. جمهوری اسلامی (۱۲ آبان ۵۸): ص ۱۲.

۲. سفر در روز چهارشنبه بوده است.

۳. حسن یوسفی اشکوری، در تکاپوی آزادی (تهران: قلم، ۱۳۷۹)، ص ۲۱۰.

ملاقات آقای بازرگان با برژینسکی سؤال شد. ایشان پاسخ داد:

امام ابدًا از ملاقات آقای بازرگان با برژینسکی اطلاع نداشتند. حتی دکتر یزدی پس از مراجعت از سفر نیز جریان را به اطلاع امام نرساند. من در آن ملاقات [قبل از سفر] حضور داشتم. دکتر یزدی فقط راجع به کسالت شاه مخلوع مطالبی معروض داشت و درباره ملاقات بازرگان با برژینسکی صحبتی به میان نیامد.

– غافلگیری و تناقض‌گویی وزیر خارجه

دکتر ابراهیم یزدی نیز که به تازگی از الجزایر بازگشته بود و از مخالفت گسترده با ملاقات رئیس و وزیر خارجه دولت موقت با برژینسکی مطلع و کاملاً غافلگیر شده بود، با عجله مطالبی کاملاً متناقض با مهندس بازرگان بیان کرد و موجب رسوایی بیشتر خود و دوستانش شد. وی در پاسخ به سؤال خبرنگاری که پرسیده بود آیا قبل از سفر، موضوع ملاقات با برژینسکی با امام مطرح شده بود یا نه؟ بیان داشت:

اینکه چه کسانی به الجزایر می‌آمدند به درستی نمی‌دانستیم! بنابراین کلیات مسائل و گفتگوهای احتمالی که ممکن بود پیش بیاید را خدمت ایشان [امام] مطرح کردیم. تصور می‌کنم آنچه را که در مورد استرداد شاه انجام داده بودیم و آنچه را که در مد نظر داشتیم [برای استرداد شاه] انجام دهیم، امام تأیید کردند.^۱ (البته ایشان بیان نکرده‌اند که آنچه را که باید به امام می‌گفته‌اند، نگفته‌اند!)

ابراهیم یزدی در تاریخ ۲۷ شهریور ۵۹ در جلسه مجلس شورای اسلامی که نمایندگان پیرامون گروگان‌ها مذاکره داشتند، متناقض با مطالب بیان شده توسط مهندس بازرگان مجدداً جریان را این‌گونه شرح داد:

شما به وزیر خارجه‌تان اعتراض می‌کنید که چرا با یک دیپلمات خارجی ملاقات کرده.... آن هم ما ملاقات نکردیم. او [برژینسکی] عیناً مثل شمر بن ذی‌الجوشن که شب عاشورا به دیدن ابوالفضل رفت به دیدن آقای مهندس بازرگان آمد. مهندس بازرگان هم گفتند چه

کنیم او را بپذیریم یا نپذیریم؟^۱

اما ایشان دقت نکرد که مهندس بازرگان اظهار داشت دو روز قبل از سفر به الجزایر کاردار سفارت آمریکا در ایران از ایشان چنین درخواستی نموده است! و دکتر یزدی نیز از این جریان مطلع بوده است!

دو روز قبل از سفر، کاردار سفارت آمریکا از آنها درخواست کرد که با برژینسکی در الجزایر مذاکره کنند و دکتر یزدی بعد از این تاریخ و قبل از سفر به الجزایر آن هم نه همراه با مهندس بازرگان، بلکه بدون ایشان، به ملاقات امام می‌رود و متأسفانه لازم ندانست که ایشان را از جریان ملاقات با مشاور امنیتی رئیس‌جمهور آمریکا مطلع کند. این موضوع به رغم این است که مهندس بازرگان نیز به وی توصیه کرده است که از امام در رابطه با ارتباط با آمریکا استفسار نماید و این نیز در حالی است که جو عمومی کشور به شدت ضد امریکایی شده بود و امام نیز به شدت به آمریکا حمله نموده بود.

طراحان توطئه انحلال مجلس خبرگان همواره مهندس بازرگان را متهم به عدم قاطعیت نموده بودند و دلیل آن را این موضوع می‌دانستند که وی در جریان انحلال مجلس خبرگان جرئت نمی‌کند در برابر امام بایستد و مصوبه هیئت دولت را در رابطه با انحلال این مجلس قبل از گزارش به امام در رسانه‌ها اعلام کند و اجازه خواستن مهندس بازرگان از امام را موجب عقیم ماندن آن توطئه می‌دانستند.

احتمالاً همین افراد بر اساس توطئه‌ای از قبل طراحی شده، موجب می‌شوند مهندس بازرگان در جلسه خداحافظی با امام برای سفر الجزایر شرکت نکند و دکتر ابراهیم یزدی همراه چند تن از وزرا به خدمت امام می‌رسد و در آنجا با زرنگ‌بازی خاص خود، از گزارش آنچه قرار بود در الجزایر انجام دهند، به خصوص مذاکره با برژینسکی، امام را مطلع نمی‌کند! یقیناً او و دوستانش به خوبی می‌دانستند که اگر موضوع ملاقات را با امام در میان بگذارند،

امام با آن مخالفت خواهد نمود. لذا با توجه به تجربه شکست توطئه انحلال مجلس خبرگان، موضوع قرار ملاقات با برژینسکی را با امام مطرح نمی‌کنند. اعجاب‌انگیزتر از همه موضوعات این است که هیئت ایرانی در این سفر حامل پیام ضد امریکایی امام، به مناسبت سالگرد پیروزی انقلاب الجزایر بوده است. - حجت‌الاسلام سید احمد خمینی در مصاحبه‌ای در تاریخ ۱۴ آبان ۵۸ در پاسخ به سؤالی در این رابطه اظهار داشت:

آنچه مسلم است آقای نخست‌وزیر برای شرکت در جشن سالگرد آغاز انقلاب الجزایر به این کشور دعوت شده و آقای بازرگان به الجزایر رفت. امام بیش از این چیزی نمی‌دانستند... امام از ملاقات با برژینسکی مطلع نبودند.^۱

- برژینسکی چه گفته است؟

برژینسکی نیز جریان را این‌گونه بیان کرد:

در جریان این سفر بود که مهدی بازرگان نخست وزیر ایران از من تقاضا کرد که دیداری با هم داشته باشیم.^۲

غفلت، بی‌توجهی، غیر انقلابی بودن، موقعیت‌نشناسی، احساس ضعف و حقارت در برابر امریکا بیش از این امکان نداشت.

در صورت تداوم حاکمیت آنان، یقیناً امریکا با صورت و چهره‌ای جدید باز می‌گشت. همان‌گونه که در ۲۸ مرداد در دوران حاکمیت اسلافشان، شاه که در پناه انگلیس بود، از ایران خارج شد و به خاطر ضعف و سستی و سردرگمی و عدم قاطعیت دکتر مصدق در برخورد با ایادی امریکا و عدم بسیج مردم برای مقابله با کودتا، به پشتیبانی امریکا فاتحانه به کشور

۱. جمهوری اسلامی (۱۵ آبان ۵۸): ص ۷.

۲. سایروس ونس و برژینسکی، توطئه در ایران، ترجمه محمود مشرقی (تهران: هفته، ۱۳۶۲)، ص ۱۷۲ و ۱۷۳. (بنابراین، سخن او هم در تأیید سخنان ابراهیم یزدی است که تماس و ملاقات در الجزایر سازماندهی شده است. بنابراین، آیا مهندس بازرگان دروغ می‌گوید؟!)

بازگشت.

دولت موقت کفش تنگی بود که به موجب ضرورت انقلاب و عدم شناسایی نیروهای متعهد توسط رهبران انقلاب، بر پای انقلاب رفته بود و با گذشت زمان و رشد انقلاب و گسترش توطئه‌های گوناگون دشمنان انقلاب و تسامح و تساهل دولتمردان لیبرال پیرو سیاست گام به گام و طرفدار سازش با امریکا، هر روز تحمل‌ناپذیرتر می‌گردید و موجب کندی انقلاب و آزار مردم انقلابی و در تنگنا قرار دادن رهبری انقلاب شده بود و باید دیر یا زود دور انداخته می‌شد. اگر چه در اواخر مهر و اوایل آبان در کابینه اصلاحاتی نیز انجام داده بود تا از فشارهای روزافزون افکار عمومی نسبت به خود بکاهد.

با اعلام ملاقات رئیس دولت موقت و وزیر خارجه‌اش دکتر ابراهیم یزدی، در روز دهم آبان با «زیگنیو برژینسکی» مشاور امنیت ملی کارتر، در الجزایر در سالگرد جشن استقلال این کشور، همه مردم به خصوص دانشجویان بیش از گذشته دریافتند که سازشکاری دولتمردان کشور با امریکا، تأثیر بسزایی در جرأت یافتن امریکا جهت انجام توطئه‌ها داشته است و دولت موقت با این ملاقات، خود را تحت شدیدترین انتقادها توسط تمام قشرهای ملت یافت.

– شهادت مظلومانه آیت‌الله قاضی طباطبایی

ساعاتی پس از برگزاری نماز عید قربان و تظاهرات و راهپیمایی عظیم ضد امریکایی مردم و تجمع آنان در مقابل لانه جاسوسی و سردادن ندای مرگ بر امریکا و ساعاتی پس از صدور پیام ضد امریکایی امام و درخواست ایشان از طلاب و دانشجویان برای گسترش حمله علیه امریکا و اسرائیل و وادار نمودن امریکا به استرداد شاه خائن و جنایتکار و ساعاتی پس از راهپیمایی حجاج در حرم امن الهی که به شدت بر ابر قدرت‌های سلطه‌گر و مسلط بر کشورهای اسلامی گران آمد، ایادی امریکا ضربه دیگری بر پیکر انقلاب وارد کردند و آیت‌الله قاضی طباطبایی، امام جمعه مبارز و انقلابی تبریز - که در روزهای گذشته در برابر عناصر امریکایی حزب خلق مسلمان ایستادگی و مردم را در برابر توطئه‌های آنان بسیج نمود و مانع

اصلی به ثمر نرسیدن توطئه آنان در این شهر بود - را پس از برپایی نماز مغرب و عشاء و در حال بازگشت به منزل مظلومانه و ناجوانمردانه به شهادت رساندند.

ایادی آمریکا این جنایت را در شامگاه روز عید قربان در پاسخ به مواضع ضد امریکایی امام و به انتقام تهاجمات امام و امت مسلمان ایران در ده روز گذشته مرتکب شده بودند.

ارتباط میان آمریکا و ضد انقلاب ایرانی واضح‌تر از این نمی‌شود. خدمت نمودن آشکار به دشمنان ملت مسلمان و انقلابی ایران و علنی شدن ارتباط با بیگانگان به خصوص آمریکا و رسوا شدن همیشگی نیز موجب شرم و حیای ضد انقلاب نشد و علت آن نیز این خیال خام است که فکر می‌کردند که انقلاب به بن‌بست کامل رسیده است و آنان آخرین گام‌ها را به سمت پیروزی برمی‌دارند و چون ۲۸ مرداد ۳۲، آمریکا به زودی به ایران باز خواهد گشت و اینان نیز به مطامع حقیرانه خود خواهند رسید و از غارت منابع کشور به خصوص نفت، دوباره سهمی نصیبشان خواهد شد و لذا با جمع‌آوری تمام توان خود به تهاجم سنگینی در تمام جبهه‌ها علیه انقلاب اسلامی دست زدند و به همین دلیل لازم نمی‌دانستند که حتی ساده‌ترین اصول استتار و پنهان‌کاری را نیز رعایت نمایند.

یازدهم آبان

- امام خمینی به مناسبت شهادت آیت‌الله سید محمدعلی قاضی طباطبایی امام جمعه، که در شامگاه روز عیدقربان، به دست گروه منحرف فرقان به شهادت رسیدند، پیامی صادر نمود:

در انقلابی که ابر قدرت‌ها را به عقب رانده و راه چپاولگری آنان را از کشور بزرگ بسته است، این ضایعات و ضایعات بالاتر، اجتناب‌ناپذیر است. ما باید از کنار این وقایع با تصمیم و عزم و خونسردی بگذریم و به راه خود - که راه جهاد فی سبیل الله است - ادامه دهیم.

شهادت در راه خداوند، زندگی افتخارآمیز ابدی و چراغ هدایت برای ملت‌هاست.^۱

– امام و مراجع در مجلس ختم آیت‌الله قاضی

از جانب امام مجلس ختمی برای آن شهید گرانقدر در مسجد اعظم قم برپا شد. در این مجلس کلیه آیات عظام و مراجع تقلید حضور داشتند. امام نیز شخصا در این مجلس شرکت نمود.^۲

– به دنبال شهادت مردان بزرگ باید اراده‌ها مصمم‌تر گردد

گروهی از زندانیان سیاسی رژیم گذشته به ملاقات امام رفتند. در این ملاقات امام در رابطه با شهادت آیت‌الله قاضی فرمود:

شما در یک راهی قدم بر می‌دارید که در این راه شهادت‌های بسیاری از مردان بزرگ واقع شده... کسی که برای حق قیام کند، برای اسلام قیام کند، همه چیز باید پیش او سهل و آسان باشد.

شهادت یک هدیه‌ای است از جانب خدای تبارک و تعالی برای آن کسانی که لایق هستند.^۳

دوازدهم آبان

– صدام حسین رئیس‌جمهور تازه به دوران رسیده عراق، برای اولین بار پس از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر، سیاست این کشور را نسبت به ایران خصمانه اعلام می‌کند و خواستار استرداد سه جزیره «تنب کوچک و تنب بزرگ و ابوموسی» می‌گردد و اختلافات قدیمی حل شده در ۱۹۷۵ در الجزیره را در مورد اروندرود مجدداً پیش می‌کشد و از ایران می‌خواهد تا از ادعاهای

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۲۰.

۲. اطلاعات (۱۲ آبان ۵۸): ص ۲.

۳. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۴۰.

- ارضی خود نسبت به شطالعرب (اروند رود) صرف نظر کند و جزایر سه گانه را در خلیج فارس تخلیه نماید. در ایران به ادعای ارضی عراق در خلیج فارس شدیداً اعتراض می شود.^۱
- مهندس بازرگان در حالی که تازه از سفر الجزایر با همراهان خود بازگشته و تنها وزیر خارجه اش در الجزیره برای ادامه مذاکرات باقیمانده است، با خبر تأثر انگیز شهادت نیروهای ارتشی مواجه می شود و به همین مناسبت پیام تسلیتی خطاب به فرمانده نیروی زمینی صادر می کند و در این پیام خواستار انتقام از ضد انقلاب می گردد.^۲
- در عراق ۱۲ نفر از اساتید و معلمان و مهندسان مبارز عراقی به جرم اعتراض به کشتار دسته جمعی عده ای از مبارزان عراقی، خود به اعدام محکوم و به دار آویخته شدند.^۳
- مردم با برگزاری راهپیمایی و تظاهرات و روزنامه ها، حزب جمهوری اسلامی، روحانیت و دانشگاهیان هم با انتشار مقالات و بیانیه و اطلاعیه و قطعنامه های متعدد به این ملاقات اعتراض نمودند، به صورتی که مهندس بازرگان که با توجه به اوضاع کشور، امروز با سرعت جلسات الجزایر را کوتاه و با گذاشتن وزیر خارجه خود برای ادامه مذاکرات در الجزایر، به ایران بازگشته بود، طی جلسه ای تصمیم به استعفا گرفت، اما آن را اعلام ننمود.
- حزب جمهوری اسلامی، دولت را به خاطر ملاقات با برژینسکی استیضاح کرد.
- شما آقای مهندس بازرگان به عنوان نخست وزیر دولت موقت انقلاب، در الجزایر با برژینسکی به گفتگو نشستید و ملت ما نمی داند نیاز این ارتباط در لحظاتی که ما در پی آنیم تا هر گونه ارتباط غیر عادلانه و برده ساز را با جهانخواران بگسلیم، از کجا بر می خیزد؟
- جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز به این ملاقات اعتراض نمود.

۱. اطلاعات (۱۲ آبان ۵۸): ص ۱.

۲. جمهوری اسلامی (۱۳ آبان ۵۸): ص ۱.

۳. همان، (۱۲ آبان ۵۸): ص ۲.

سیزدهم آبان

- امام طی سخنانی بیان فرمود:

اگر چنانچه این قشرهای متفرق... این مسلک‌های متعدد در یک معنا باهم مجتمع بشوند و آن حفظ کشور و حفظ کیان اسلام با تحقق یک همچو معنا ما به مقاصد عالیه اسلامی... به زودی خواهیم رسید.^۱

اجتماعات خودتان را برای راه این مستضعفین تقویت کنید.

- اجساد مطهر شهیدان ارتش، امروز از مسجد دانشگاه تهران هم‌زمان با مراسم ۱۳ آبان تشییع شد.^۲

- تهاجم انقلاب به ابرقدرت‌ها

به دنبال تهاجمات گوناگون ابرقدرت‌های حاکم بر جهان و وابستگان داخلی آنان به انقلاب اسلامی در کردستان و سایر نقاط کشور و مقاومت اعجاب‌انگیز جوانان فداکاری که انقلاب را به رغم خواست ابرقدرت‌ها به پیروزی رسانده بودند، انقلاب نیز از اواسط تابستان تهاجم خود را به ابرقدرت‌ها آغاز کرد.

◆ و اینک سومین گام

- تسخیر لانه جاسوسی آمریکا در ایران

تصویب اصول قانون اساسی در حال اتمام بود و رهبران انقلاب توانسته بودند در فاصله نه ماهه پس از پیروزی انقلاب، نیروهای متعهد و کارآمد را در جریان دفاع از موجودیت انقلاب اسلامی شناسایی کنند و آنان را برای امور اجرایی انقلاب به کار گیرند و برای اولین بار از نیروهای غربگرا بی‌نیازی خود را اعلام دارند. انقلاب اسلامی توانسته بود در میان هجوم

۱. صحیفه امام، ج ۱۰، ص ۴۷۳.

۲. جمهوری اسلامی (۱۳ آبان ۵۸): ص ۱.

سیل آسای توطئه‌های دشمنان کمر خود را راست کند و بر پای خود بایستد.

شرایط داخلی و خارجی با سرعت به نفع انقلاب اسلامی تغییر می‌کرد و امام به عنوان رهبر اسلام ناب محمدی با شعار «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» تهاجم خود را علیه سردمداران اصلی این توطئه‌ها، یعنی ابرقدرت امریکا، گسترش داد و از امکانات اعتقادی امت اسلامی برای قیام در برابر آنان استفاده می‌نمود.

انقلاب اسلامی طی نه ماه گذشته با انبوه توطئه‌های سازماندهی شده عوامل وابسته داخلی و خارجی مواجه شده بود. امریکا نیز خوش‌باورانه احساس می‌کرد با به ثمر رسیدن این توطئه‌ها توسط ایادی آشکار و پنهان خود، به زودی به ایران باز می‌گردد و منافع بادآورده خود را مجدداً تصاحب خواهد کرد و به دلیل همین غرور و احساس پیروزی زودرس او از دیدن بسیاری از حقایق غافل شده بود.

امریکا ساده‌لوحانه تصور می‌نمود با به کار گرفتن عروسک‌های خیمه‌شب‌بازی در صحنه مطبوعات و سیاست کشور ما و به کار گرفتن عده‌ای نظامی و ساواکی فراری و گروهک‌های وابسته و قدرت‌طلب و ایجاد شورش در نقاط مرزی و برپایی کودتا توسط مزدوران خود در ارتشی که هنوز از بحران انقلاب کمر راست نکرده است و با بر سر کار آوردن و مجهز نمودن صدام از خارج، می‌تواند انقلاب اسلامی را سرنگون سازد و از بیداری اسلامی در منطقه جلوگیری نماید.

اخباری نیز از گوشه و کنار به گوش می‌رسید و از ارتباطات پنهانی برخی از دولتمردان با سفارت امریکا سخن می‌گفت.

دلسوزان انقلاب به خوبی در همه این جریان‌ها دست‌های پنهان ابرقدرت‌های توطئه‌گر به خصوص امریکا را به وضوح مشاهده می‌کردند و لذا شعار «مرگ بر امریکا» که از خرداد آهسته آهسته وارد فرهنگ نیروهای انقلابی شده بود و در مرداد و جریان‌های پاوه و برپایی روز قدس گسترش یافته بود، به صورت اعجاب‌انگیزی از اوایل آبان و انتقال شاه به امریکا در سراسر کشور گسترش و بر زبان‌ها جاری شد. از زمین و آسمان، انقلاب اسلامی با توطئه

ضد انقلاب وابسته به امریکا مواجه شده بود که حتی لازم نمی‌دیدند وابستگی خود را پنهان سازند.

کمتر از یک ماه به پایان قرن چهاردهم هجری مانده بود. امام برای برگزاری جشن آغاز قرن اطلاعیه‌ای صادر نمود.

ناگهان ملت ایران چون آتش زیر خاکستر به خروش و فوران آمد و صاعقه‌وار بر مرکز ایجاد توطئه و فتنه و لانه جاسوسان فرود آمد و فرصت را از امریکا و مزدوران و وابستگان آشکار و پنهان داخلی‌شان ربود. فرصتی که اگر مدت کوتاه دیگری در اختیار توطئه‌گران بود، انقلاب را برای همیشه تاریخ سر به نیست می‌کردند.

◆ تهاجم به مرکز توطئه

با شدت یافتن توطئه گروهک‌ها و به شهادت رسیدن تعداد زیادی از ارتشیان غیور و دلاورمردان سپاهی در کردستان و در شهرهای دیگر با کمک‌های اهدایی و تحریکات صدام و بمبگذاری ایادی او و انفجار در لوله‌های نفت خوزستان و توطئه تهاجم به امام و با انتقال شاه به امریکا و احتمال وقوع کودتا توسط وابستگان این ابرقدرت که امام نیز بر آن تأکید نمود و دستور امام به دانشجویان و دانش‌آموزان و طلاب برای گسترش حملات علیه امریکا در دهم آبان - مصادف با عید قربان و شهادت آیت‌الله قاضی در غروب همین روز - دانشجویان مسلمان و متعهد به انقلاب و امام که مشکلات انقلاب و تهاجم گسترده ضد انقلاب را با تمام وجود حس می‌کردند و انقلاب اسلامی را در خطر بزرگی می‌دیدند و حضور انکارناپذیر امریکا را - که از طریق سفارتش در تهران اعمال می‌شد - در تمام حوادث فوق مشاهده می‌نمودند و همانند مردم قهرمان و انقلابی ایران که عکس‌العمل‌های مناسبی را در راهپیمایی وحدت با امام (چهارم آبان) و راهپیمایی روز عید قربان (دهم آبان) و سایر صحنه‌ها نشان داده بودند، آماده انجام هر گونه وظیفه‌ای در این رابطه شده بودند.

در روزهای اولیه پیروزی انقلاب یعنی ۲۵ بهمن و در حالی که هنوز انقلاب کاملاً نظام گذشته را سرنگون نکرده بود و ضد انقلاب هر شب توطئه می‌چید، به ناگهان عده‌ای انقلابی‌نمای مارکسیست که بیشتر آنها عضو فداییان خلق بودند، مسلحانه به سفارت امریکا حمله و آن را اشغال کردند. در آن موقعیت که کشور در بدترین شرایط داخلی خود قرار داشت، این جریان می‌توانست صدماتی جدی به انقلاب وارد آورد و در حالی که اولین قدم‌ها برای حل مشکلات داخلی هنوز برداشته نشده بود، آن را با مشکلات جهانی مواجه سازد و به شکست بکشاند.

اما اکنون در روزهای پایانی کار مجلس خبرگان و در حالی که امریکا از طریق سفارت خود، توطئه‌های متعددی را برای نابودی انقلاب در نه ماه گذشته سازماندهی کرده و شهدای زیادی جهت جلوگیری از پیروزی توطئه‌های آنان تقدیم انقلاب شده است و مردم انقلابی با تمام وجود درک کردند که به رغم تسامح دولتمردان نسبت به امریکا و باز گذاشتن سفارتخانه این ابرقدرت و قطع نمودن روابط دیپلماتیک با آن پس از انقلاب و بدیهایی که در حق ملت ایران روا داشته بود، باز هم دست از سلطه‌گری و دخالت در امور داخلی کشور ما بر نداشت و به رغم نفرت عظیم ملت انقلابی و فداکار ایران نسبت به شاه، او را به امریکا برده است.

همان‌طور که بیان شد در دهمین روز آبان، امام طی پیامی از دانش‌آموزان و دانشجویان و محصلین علوم دینی خواستند که حملات خود را با قدرت تمام علیه امریکا و اسرائیل گسترش دهند و امریکا را به استرداد شاه جنایتکار وادارند.

دانشجویان، به عنوان نیروی متشکل و پیشتاز انقلاب، که فریادهای حق‌طلبانه‌شان در نخستین روزهای انقلاب در سال ۵۶ موجبات بیداری مردم را فراهم ساخته بود، ندای امام، را قبل از همه دریافتند و اگر چه با تظاهرات و راهپیمایی‌های گوناگون در تمام نقاط کشور و در دهه اول آبان اعتراض خود را به همه جهان اعلام نموده بودند، اما پس از سخنان امام، دیگر جای درنگ نبود. باید ضرب شست انقلاب به ابرقدرت‌های سلطه‌گر و وابستگان داخلی آنها نشان داده می‌شد و دانشجویان مسلمان و پیرو خط امام به پیام امام لبیک مردانه و شجاعانه

می‌دادند و تهاجم خود را علیه آمریکا آغاز می‌نمودند:

در حالی که میلیون‌ها نفر در سالگرد تبعید امام^۱ و اولین سالگرد کشتار دانش‌آموزان و دانشجویان دانشگاه تهران راهپیمایی برپا کرده بودند و در تهران پس از پیمودن راه‌های طولانی در زمین چمن دانشگاه تهران تجمع کرده و توطئه‌های امریکای جهانخوار و دخالت او در این توطئه‌ها و نیز انتقال شاه را به آمریکا محکوم می‌نمودند. جمعیت ظاهراً کوچکی از دانشجویان در مسیر راهپیمایی با رسیدن به درهای سفارت آمریکا - به جای ادامه راهپیمایی به سمت دانشگاه تهران یعنی قربانگاه دانشجویان و دانش‌آموزان - به سوی لانه جاسوسی آمریکا یورش آوردند و با صلابت و شهامت از درهای آن بالا رفتند و آن را گشودند و بدین‌گونه انقلاب دوم، که انقلابی بزرگ‌تر از انقلاب اول بود، آغاز شد و دشمن اصلی انقلاب اسلامی مورد تهاجم قرار گرفت و هیبت دروغین آن برای همیشه در پای اراده ملت ایران فروریخت و طنین این فریاد تا آخرالزمان موجب بیداری مستضعفان جهان و موجب حقارت مستکبران جهانخوار خواهد بود.

از آن روز، این روز «یوم الله» شد.

روز خدا،

روز قیام،

روز بیداری،

روز بسیج جبهه حق در برابر جبهه باطل،

روز درس‌آموزی برای مستضعفان،

روز استکبارستیزی.

۱. این تبعید به دلیل اعتراض امام به تصویب لایحه کاپیتولاسیون و مصونیت مستشاران امریکایی در ایران بود.